

درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی  
۵. ارزیابی شاخص‌های جهانی  
برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی



## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
۱. تبیین مفهومی اقتصاد مقاومتی	۲
۲. شاخص‌های محاسبه مقاومت‌پذیری اقتصاد	۵
۱-۲. شاخص مقاومت‌پذیری بورمن و همکاران	۶
۲-۲. شاخص مقاومت‌پذیری برگولیو و همکاران	۱۲
۱-۲-۲. نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد	۱۲
۲-۲-۲. عوامل استحکام‌بخش در اقتصاد	۱۸
۳-۲-۲. ساخت شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد	۲۲
۴-۲-۲. چارچوب تحلیلی آسیب‌پذیری - مقاومت‌پذیری	۲۳
۳. ارزیابی شاخص‌های بورمن و برگولیو	۲۶
جمع‌بندی - نکاتی برای اقتصاد ایران	۲۹
پیوست‌ها	۳۱
منابع و مأخذ	۳۸





## درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۵. ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی

### چکیده

ارائه تحلیل از بهبود یا وخامت درجه مقاومت اقتصادی وابسته به ارائه شاخص‌های صریحی است که بتوانند در مجموع میزان مقاوم بودن یا آسیب‌پذیری یک اقتصاد ملی را روایت نمایند. در این گزارش پس از مروری بر مفهوم اقتصاد مقاوم، شاخص‌هایی که در سطح بین‌المللی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی به کار می‌روند معرفی و جایگاه اقتصاد ایران در این شاخص‌ها تبیین می‌شود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد: اولاً گرچه میزان در معرض آسیب بودن اقتصاد ایران از خارج طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ کاهش یافته، اما از توان داخلی مقابله با شوک‌های بیرونی نیز کاسته شده است. ثانیاً شاخص‌های رایج از جهات متعددی دچار نقصان‌هایی هستند که نمی‌توانند روایت دقیقی از مقاوم بودن اقتصادهای مشابه اقتصاد ایران ارائه دهند. ضمن آنکه مفهوم مدنظر ما از اقتصاد مقاومتی، تفاوت‌هایی در سطح مبانی نظری با تلقی رایج دارد.

### مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحولات عمیقی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصاد به وقوع پیوست. به‌رغم آن‌که در شکل‌گیری انقلاب، مباحث و مسائل اقتصادی نقش بنیادینی در قیاس با دیگر عوامل نداشت ولی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، یکی از حوزه‌هایی که دچار تحول زیادی گردید اقتصاد کشور بود. تحولات ایجاد شده به دلایل گوناگونی مانند ملی شدن‌ها، مصادره‌ها، فرار سرمایه‌داران و کارشناسان خارجی، کاهش قابل توجه صدور نفت و... به وقوع پیوست که موجب تغییر ساختار اقتصادی کشور شد. هنوز طراحی‌های اولیه حوزه اقتصاد سازمان نیافته بود که تحمیل جنگ فرصت‌های اقتصادی را متأثر و محدود ساخت. به همین دلیل در ده سال اول امکان طراحی یک الگوی جدید و متناسب با آموزه‌های اسلامی و انقلابی فراهم نشد. در واقع، از یک منظر کلی، اگرچه به صورتی مشخص در برخی زمینه‌ها مانند بانکداری بدون ربا اقداماتی به عمل آمد، اما اقدام اساسی و متناسب با اهداف انقلاب اسلامی صورت نگرفت. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز، دغدغه‌ها و ضرورت‌های بازسازی

مناطق جنگی و جبران عقب‌ماندگی‌های دوره جنگ مانع از طراحی یک الگوی جدید گردید، ولی هیچ‌گاه نیاز به طراحی الگویی جدید و متناسب با آرمان‌های انقلاب و آموزه‌های دین و نیز شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور در سال‌های پس از انقلاب از میان نرفت تا اینکه در سال ۱۳۷۴ طی ابلاغیه‌ای از سوی مقام معظم رهبری، ضرورت تدوین برنامه اقتصاد بدون نفت مطرح و انجام این مهم به دولت وقت ابلاغ شد و متعاقب آن نیز ضرورت تهیه برنامه‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی مورد تأکید ایشان قرار گرفت. این روند از سال ۱۳۸۴ با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی و سپس دیگر سیاست‌های کلی اقتصادی از سوی رهبر انقلاب شدت یافت.

به دلیل اهمیت حیاتی یک نظام اقتصادی تأمین‌کننده رفاه و عدالت آن هم در تراز اهداف و آرمان‌های کلان جمهوری اسلامی از یک‌سو و ضرورت تذکر و تأکید مداوم به مجموعه مسئولین کشور نسبت پیگیری منویات ابلاغیه‌های قبلی، مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر نوعی گفتمان اقتصادی را پی افکندند که با ایده‌هایی نوآورانه در قالب اختصاص سال‌ها به نام‌های الهام‌بخش به‌ویژه طرح مضمون اقتصاد مقاومتی تداوم یافته است. مطمئناً آینده نظم سیاسی در ایران به مجاهدت‌ها و دستاوردهای تمامی ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصاد مقاومتی بستگی دارد.

با توجه به وضعیت ویژه جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر و تأکیدات رهبر انقلاب اسلامی بر سیاست‌های اقتصادی از جمله اقتصاد مقاومتی، ارائه یک تعریف کامل و علمی از اقتصاد مقاومتی و شیوه سنجش میزان مقاوم بودن اقتصاد اهمیت می‌یابد.<sup>۱</sup> بر این اساس گزارش حاضر پس از ارائه تبیین مختصری از مفهوم اقتصاد مقاوم، به معرفی دو شاخص بین‌المللی که قرابت نزدیکی با این مفهوم دارند می‌پردازد و جایگاه اقتصاد ایران را از بُعد مقاومت یا آسیب‌پذیری بررسی می‌کند. در بخش پایانی نکاتی در ارزیابی این شاخص‌ها طرح خواهد گردید.

### ۱. تبیین مفهومی اقتصاد مقاومتی

مفاهیمی مشابه اقتصاد مقاومتی از حدود سال ۲۰۰۶ میلادی در برخی گزارش‌های بین‌المللی ظاهر شد، اما آنچه ما در ایران تحت این عنوان می‌شناسیم متأثر از برداشت ویژه‌ای است که نخستین بار مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ در جمع کارآفرینان بیان فرمودند و به بعد از آن به فراخور به تبیین آن و بیان الزامات و اهمیت اقتصاد مقاومتی پرداختند. مسیری که به ابلاغ رسمی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بهمن ۱۳۹۲ منجر شد. از منظر ایشان اقتصاد مقاومتی با ریاضت

۱. آنچه به نظر ما رسیده اقتصاد مقاومتی بوده این فکر است یک مطالبه عمومی است شما دانشجو هستید استاد هستید اقتصاددان هستید بسیار خوب با زبان دانشگاهی همین ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید، حدودش را مشخص کنید (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶).



اقتصادی تفاوت قائل شده‌اند و آن را نوعی ساخت درونی اقتصاد می‌دانند که می‌تواند در برابر بحران‌ها و جزر و مدهای بین‌المللی آسیب نبیند.<sup>۱</sup> به بیان دیگر یک اقتصاد مقاوم اقتصادی است که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود<sup>۲</sup> و باید بتواند در مقابل آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.<sup>۳</sup> درون‌زا بودن و تکیه بر ظرفیت‌ها و امکانات داخلی در عین برونگرایی و تعامل صحیح با اقتصاد دیگر کشورها یکی دیگر از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است.<sup>۴</sup> به بیان دیگر اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.<sup>۵</sup> یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند.<sup>۶</sup>

آنچه عموماً از اقتصاد مقاومتی برداشت می‌شود، مواجهه با تحریم‌های اقتصادی است. به این معنا که اولاً راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها جستجو شود و ثانیاً ظرفیت تحمل سختی و فشار در درون اقتصاد ملی، ارتقا یابد. بر این مبنا، می‌بایست در هر مقطع، حوزه‌های تحریم شده رصد و برای جایگزین کردن آنها اقداماتی صورت بگیرد. این مسیر به دلایل چندی که در ادامه به آن اشاره می‌شود، آسیب‌های بسیاری را به دنبال خواهد داشت. این راهبرد به دلایل زیر ناکارآمد است:

۱. انفعالی بودن و رویکرد دفاعی به تحریم‌های اخذ شده،

۲. امکان تضعیف تدریجی اقتصاد ملی،

۳. تحمیل هزینه‌های زیاد بر کشور در این فرآیند.

در این فضا، اقتصاد مقاومتی طراحی و مدلسازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن فضای اقتصادی کشور براساس فرض وجود تحریم‌ها و فشارها، به‌صورت فعال و نه منفعل، طراحی می‌شود. در واقع اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری و عملی برای مدلسازی گونه‌ای ویژه از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها، بیش‌ازپیش آماده ساخته است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب‌وکار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیکی دائمی با نظام سلطه است و تکانه‌های اقتصادی متفاوتی ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی تحریم‌های اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آنها می‌توان راهبردهای اقتصادی مقاومتی را

۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.

۲. بیانات رهبری در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور، ۱۳۹۲/۲/۷.

۳. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.

۴. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، اول فروردین ۱۳۹۳.

۵. بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.

۶. بیانات رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.

با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آنها را تسریع کرد. در این رویکرد، کسب ثروت و درآمد ملی از مسیرهایی دنبال می‌شود که قدرت چانه‌زنی کشور در فضای سیاسی بین‌المللی را تقویت کند؛ نه آنکه کشور ناگزیر باشد به دلیل مسائل اقتصادی از اهداف ایدئولوژیکی خود در فضای سیاسی دست بکشد. روشن است که فروض این مدل اقتصادی، اساساً با فروض رایج در تئوری‌های تجارت بین‌الملل، اقتصاد کلان و بخش عمومی تفاوت دارد و به تبع مدل‌های اداره امور اقتصادی منجر به رشد و اشتغال، تأمین مالی دولت و بخش خصوصی، رشد فناوری، ایجاد تراز خارجی و استراتژی توسعه صنعتی و کشاورزی نیز متمایز خواهد بود.

بنابراین برداشت کنونی از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را براساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. این مسئله، یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً اقتصادهای غربی پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به طوری که امروزه با قیمت‌های بالای یکصد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز نیازمند عزمی ملی برای اجرای پروژه‌هایی در این تراز ملی هستیم. روشن است که این مسیر با شناخت نقاط و ابزارهای قابل حمله توسط دشمن و تدوین استراتژی‌های پیش‌دستانه و مقاوم‌سازی نیز سازگار است (پیغامی، ۱۳۹۱).

در ادبیات جهانی از مفهوم مشابه اقتصاد مقاومتی با عنوان تاب‌آوری اقتصادی<sup>۱</sup> یاد می‌شود. در بسیاری از لغتنامه، تاب‌آوری را به توانایی بازگشت سریع به حالت اولیه بر اثر آثار خارجی ناگوار تعبیر می‌کنند. در ادبیات اقتصادی، اقتصاد مقاومتی با سه توانایی تعریف می‌شود: توانایی بازبازی و برگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم،<sup>۲</sup> توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل تکانه‌ها یعنی جذب شوک<sup>۳</sup> و سوم توانایی اجتناب از شوک.

1. Economic Resilience  
2. Shock-Counteraction  
3. Shock-Absorption



این توانایی‌ها و آسیب‌ناپذیری در سال‌های اخیر مورد توجه مطالعات خارجی نیز قرار گرفته است. گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۴ بانک جهانی، گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۳ مجمع جهانی اقتصاد و اجلاس داووس ۲۰۱۳ از نمونه اسناد سازمان‌های بین‌المللی در خصوص تاب‌آوری اقتصاد ملی است (غیاثوند، ۱۳۹۳). لذا با توجه به تعاریف بالا می‌توان به‌طور خلاصه اقتصاد مقاومتی را به‌صورت زیر تعریف کرد: اقتصاد مقاومتی یعنی آن ساخت یا الگوی اقتصادی است که توانایی مقابله و ایستادگی در برابر شوک‌های وارد شده از خارج را دارد و علاوه بر حفظ رشد ضامن پیشرفت و شکوفایی اقتصاد می‌شود.

هرگونه قضاوتی درباره بهبود یا وخامت درجه مقاوم بودن اقتصاد ملی محتاج تعیین نماگرهایی است که در مجموع بتواند گویای روند مقاوم‌تر شدن یا آسیب‌پذیرتر شدن باشند. به بیان دیگر تا زمانی که مسئله شاخص‌های مقاوم بودن اقتصادی به سرانجام نرسد، این موضوع در حد مفاهیم و مبانی باقی خواهد ماند. از سوی دیگر نظارت سیاستگذاران (از مجمع تشخیص مصلحت تا مجلس شورای اسلامی و دولت) بر تحقق هدف‌های اقتصاد مقاومتی تنها با در دست داشتن شاخص‌های معتبر و دقیق میسر خواهد شد. بنابراین پس از تعیین تکلیف در سطح مفهومی، یکی از مفیدترین و ضروری‌ترین امور پرداختن به شاخص‌های مناسب برای رصد نزدیکی و دوری از شرایط اقتصاد مقاومتی است که بخش آتی گزارش بدان اختصاص دارد.

## ۲. شاخص‌های محاسبه مقاومت‌پذیری اقتصاد

مقاوم‌سازی اقتصاد از اصول اولیه در ساخت هر اقتصادی است. یکی از اصول نانوشته ساخت اقتصاد این است که ساختار و نظام اقتصاد کشور به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که در برابر آسیب‌های احتمالی از خود مقاومت نشان داده و بتواند به‌سرعت خود را ترمیم کند. اما سؤال مهم این است که چگونه باید میزان مقاومت یک اقتصاد را سنجید. برای سنجش میزان مقاومت‌پذیری اقتصاد شاخه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند که به شاخص مقاومتی<sup>۱</sup> موسوم‌اند. این شاخص متشکل از چندین متغیر جزئی یا زیرشاخص هستند که به توصیف اجزا و بخش‌های اقتصاد مقاومتی می‌پردازند. هرکدام از این زیربخش‌ها در اقتصاد مقاومتی به تنهایی به مقاوم‌سازی اقتصاد کمک می‌کنند. به همین دلیل شاخص مقاومتی متشکل از زیربخش‌هایی است که هرکدام به‌نوعی به مقاوم شدن ساخت اقتصاد کمک می‌کنند و چون ما از منظر کلان اقتصاد به دنبال مقاوم‌سازی بوده‌ایم، این شاخص‌ها عمدتاً شاخص‌های کلان اقتصاد است. دلیل این امر این است که ما عوامل مقاوم‌ساز یک صنعت و یا عوامل خرد که نهایتاً به مقاوم‌سازی اقتصاد کمک می‌کند را از این شاخص جدا کنیم.

در ادبیات بین‌المللی دو مطالعه برای ساختن و محاسبه شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد صورت گرفته است. روش کلی و عوامل تشکیل‌دهنده این دو شاخص بسیار شبیه به هم هستند. در مطالعه اول، آقای بورمن و همکاران به ارائه شاخصی می‌پردازند تا به وسیله آن بتوانند عکس‌العمل کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته را در بحران مالی اخیر تفسیر کنند. مطالعه دوم توسط آقای برگوگلیو و همکاران به عوامل استحکام‌بخش اقتصاد و نحوه مقاوم‌سازی آن می‌پردازد و نهایتاً با استفاده از چارچوب آسیب‌پذیری - مقاومت‌پذیری (استحکام) به بررسی وضعیت کشورها می‌پردازد. در ادامه بیشتر با این دو شاخص آشنا می‌شویم.

### ۱-۲. شاخص مقاومت‌پذیری بورمن و همکاران

بعد از وقوع بحران مالی جهانی، کشورهای در حال توسعه به‌طور متوسط افزایش قابل‌توجهی در مقابله با بحران و بازسازی آثار منفی شوک ناشی از بحران داشته‌اند. برای درک بهتر این توانایی برای مقاوم بودن اقتصاد شاخص مقاومتی را توسعه می‌دهیم. در مقابل عوامل آسیب‌پذیری که در پی شناسایی استعداد ابتلا به شوک‌ها را توضیح می‌دهد، شاخص اقتصاد مقاومتی در پی شناسایی عواملی است که باعث افزایش ظرفیت کشورها برای مقابله با شوک‌های خارجی می‌شود. به عبارت دیگر در میان کشورهایی که در معرض شوک قرار می‌گیرند، کشوری که مقاوم‌تر است بهتر می‌تواند شوک را جذب کند، پاسخ بهتر و سریع‌تری به آن بدهد و در نهایت سریع‌تر به حالت اولیه برگردد.

شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد شامل سنجش و محاسبه سیاست‌های کلان اقتصاد، رشد بدهی بخش خصوصی بیشتر حد آستانه، عناصر سلامت مالی به‌عنوان قسمت‌های آسیب‌پذیر و همچنین شامل ساختارهای مهم اقتصادی و جنبه نهادی اقتصاد مثل کیفیت خدمات شهروندی، حکمرانی، وابستگی صادراتی و تنوع صادراتی و اندازه نسبی ذخایر بین‌المللی؛ است.

همان‌طور که سیاست‌های اقتصاد کلان و عناصر سلامت مالی محاسبه ظرفیت و فضا برای سیاستگذاران را فراهم می‌کند، عناصر نهادی و ساختاری یک حس از ظرفیت و انعطاف‌پذیری در اقتصاد در پاسخگویی به این سیاست‌ها فراهم می‌کند. ترکیب این دو گروه از عناصر یک دید ترکیبی از مقاوم‌سازی به اقتصاد می‌دهد. به‌عنوان مثال برای دو کشور با دو ساختار اقتصادی تقریباً مشابه، یکی با ویژگی‌های ساختاری قوی‌تر به احتمال زیاد بیشتر انعطاف‌پذیر خواهد شد.

۵۲ متغیر در ۱۰ زیرشاخه باهم هم‌گروه شده و ترکیب شده‌اند. به‌طور کلی محاسبه تاب‌آوری هر اقتصاد از این زیرشاخص‌ها به دست می‌آید. منطق گنجاندن هر یک از آن زیرشاخص‌ها و متغیرهای جزء در هر یک از زیرشاخص‌ها به‌طور خلاصه در زیر شرح داده شده است:



## الف) سلامت در سیاست مالی

این نشان‌دهنده شرایطی است که تصمیم‌گیران باید محاسبات مالی را در آن اتخاذ کنند. متغیرهای جزئی آن موجودی بدهی عمومی (این اشاره دارد به بخش عمومی غیرمالی و یا به کلیت دولت و بستگی دارد به در دسترس بودن داده) نسبت به GDP است و به‌علاوه نرخ و جهت تغییرات این متغیر به‌عنوان کسری کلی است. نرخ‌های بالاتر بدهی و یا کسری‌های کلی، فضای مالی و جای مانوری که سیاستگذاران برای مواجهه با شوک‌های وارده به اقتصاد به آن نیاز دارند را کاهش می‌دهد.

## ب) سلامت در سیاست پولی

اعتبار بیشتر بانک مرکزی - به‌عنوان مثال موفقیت بانک مرکزی در کنترل تورم - فضای بیشتری برای اعمال سیاست‌های پولی آرام و باثبات فراهم کرده و در نتیجه از فعالیت‌های اقتصادی حمایت می‌کند. متغیرهای جزئی ذیل این زیرشاخص، تفاوت بین تورم داخلی با تورم کشورهای G-7؛ آیا چارچوب هدفگذاری تورمی درست انتخاب شده (به‌عنوان اینکه به‌طور معمول با افزایش اعتبار در ارتباط است) و اندازه‌گیری تورم‌های غیرقابل پیشگیری توسط پیشینه انحراف معیار استاندارد، است.

## ج) اثربخشی دولت

قدرت و ظرفیت بیشتر دولتمردان برای واکنش نشان دادن و طراحی سیاست‌ها و بیشتر بودن اعتبار آنها، باعث می‌شود اقتصاد بهتر و سریع‌تر به آن پاسخ بدهد. افزایش ظرفیت دولت برای دنبال کردن این سیاست‌ها، به‌احتمال بیشتر باعث تحریک مثبت بخش خصوصی شده و در نتیجه تاب‌آوری بیشتری را برای اقتصاد به ارمغان خواهد آورد. زیرشاخص‌های این مفهوم کیفیت بوروکراسی و توانایی اجرای روبه‌جلوی این سیاست‌ها را نشان می‌دهد.

برای اندازه‌گیری آن از امتیاز کیفیت دیوانسالاری که توسط WGI<sup>1</sup> برای محاسبه زیرشاخص‌های اثربخشی دولت و همچنین متوسط ۲ نمره: سازگاری سیاست و برنامه‌ریزی و بوروکراسی رو به جلو، که مانند بالا توسط WGI محاسبه می‌شود، استفاده می‌گردد

## د) حکمرانی کلی

حکمرانی شایسته به‌صورت کلی یک زیربنای لازم برای اقتصاد کارآست، با مؤسسات معتبر و مستقل، پایبندی به حاکمیت قانون (اعتماد قراردادهای، حقوق مالکیت و ...)، شفافیت، محدودیت‌های فساد، آزادی مطبوعات، بانکی و اعتباری مورد نیاز رتبه‌بندی، شفافیت حسابداری، حقوق سهام‌داران و در دسترس بودن داده‌های استاندارد بخش خصوصی و بخش دولتی. اجزای آن شاخص‌هایی است که کیفیت اداره شرکت‌ها و سیستم حقوقی را به ما بدهد، مانند محاسبه شفافیت سیاست است و از شاخص توسعه مالی و قدرت که توسط گروه بین‌المللی تولید شده محاسبه شده است.

این شاخص خود دارای سه زیر شاخص است:

۱. **راهبری شرکت‌ها:** دارا بودن رتبه‌بندی‌ها در فعالیتهای بانکی، دارا بودن رتبه‌بندی اعتباری در بانک‌های تجاری، میزان دسترسی به اطلاعات و میزان آزادی در فعالیتهای اقتصادی از جمله آیتم‌ها محاسبه این شاخص هستند. برای این محاسبات می‌توان به بررسی مقررات بانکداری بانک جهانی<sup>۱</sup>، شاخص کسب‌وکار<sup>۲</sup> مراجعه نمود.
۲. **جنبه حقوقی حکمرانی:** برای محاسبه این قسمت از متغیرهایی مانند نمره فساد اداری، میانگین قانونگذاری کسب‌وکار و اثربخشی بر مالیات، میانگین استقلال قضایی و خطر وقوع جنایت در کسب‌وکار که توسط WGI محاسبه می‌گردد، استقلال قوه قضائیه، حقوق قانونی وام‌گیرندگان و شاخص وام‌دهندگان استفاده کرد.
۳. **شفافیت سیاسی:** شفافیت سیاسی را می‌توان با شاخص ادراک فساد<sup>۳</sup>، قوانین و مقررات تأثیرگذار بر محتوای رسانه<sup>۴</sup> محاسبه کرد.

#### ه) سلامت بانکی

سیستم مالی سالم‌تر همراه با ریسک کمتر، سرمایه قوی‌تر، سرمایه‌های معتبر، منابع درآمدی پایدار، و سوددهی بالا به احتمال کمتر به تقویت شوک‌های خارجی می‌انجامد و در نتیجه باعث مقاوم‌تر شدن اقتصاد می‌شوند. اگرچه این زیرشاخه به‌طور برجسته شامل بانک‌هاست، اما شامل برخی از مؤسسات مالی غیربانکی نیز می‌شود، و در نتیجه باعث اندازه‌گیری وسیع‌تری در بخش مالی می‌شود. اجزای آن شاخص کیفیت دارایی‌ها، سرمایه و ریسک درآمد، که از شاخص سلامت مالی IMF به دست می‌آید.

#### و) تنوع صادراتی

تنوع بیشتر در پایه صادرات احتمالاً به تاب‌آوری بیشتر اقتصاد بیانجامد. اجزای آن شامل تنوع محصول صادراتی و تنوع مقصد صادراتی است. این شاخص را می‌توان با میزان صادرات یک محصول به کل صادرات و همچنین میزان صادرات به یک کشور به کل صادرات اندازه‌گیری کرد. یکی دیگر از شاخص‌های اندازه‌گیری استفاده از شاخص تمرکز صادراتی است.

---

1. World Bank's Banking Regulation Survey  
 2. Doing Business  
 3. Corruption Perceptions Index  
 4. Laws & Regulations Influence on Media Content



### ز) عدم وابستگی صادراتی

هرچه اقتصاد به صادرات و درآمد صادراتی بیشتر وابسته باشد به احتمال بیشتر دارای مقاومت کمتری در برابر شوک‌های بیرونی خواهد بود. زیاد بودن این وابستگی آسیب‌پذیری اقتصاد را بیشتر کرده و آن را در معرض آسیب‌های ناشی از شوک قرار می‌دهد. نماگر اندازه‌گیری‌کننده آن نسبت صادرات به تولید ناخالص ملی است.

### ح) استحکام بیرونی

بخش خارجی قوی‌تر، اقتصاد مقاوم‌تر را به دنبال خواهد داشت. اجزای آن تراز حساب جاری به صورت نسبی از تولید ناخالص ملی، نسبت منابع بین‌المللی به بدهی کوتاه‌مدت، موجودی ذخایر به لحاظ ماه واردات و طبقه‌بندی نظام نرخ ارز است. درحالی‌که برخی از این متغیرهای اعضای اتحادیه ارز مربوط به دیگر کشورها نیست، تحلیل عوامل اثرگذار<sup>۱</sup> مستلزم آن است که هر متغیر جزء برای تمام کشورها استفاده می‌شود.

### ط) بدهی بخش خصوصی

زیرشاخص‌های بدهی بخش خصوصی شامل بدهی خارجی و بدهی داخلی می‌شود. بدهی داخلی بیشتر شامل اعتبارات بانکی محلی به بخش خصوصی و رشد بیش‌ازحد آن است که می‌تواند به بی‌ثبات کردن حساب‌های دارایی منجر شود. با توجه به بدهی‌های خارجی، گسترش سریع‌تر وام و اعتبار از خارج جهت تأمین مالی بخش خصوصی، به دلیل احتمال قطع ناگهانی جریان ورود سرمایه به داخل باعث کاهش مقاومت‌پذیری اقتصاد می‌شود. متغیرهای جزء آن سهام و تغییرات بیش از سه سال از اعتبار خصوصی سپرده پولی بانک‌ها به تولید ناخالص داخلی و نسبت مطالبات ساکنان این کشور توسط بانک‌های خارجی به تولید ناخالص داخلی است. برای افزایش قدرت مالی، توسعه اعتبار تا ۱۰ درصد بالاتر از رشد تولید ناخالص داخلی اسمی خطرناک در نظر گرفته نمی‌شود. یک ترکیب ارزی از بدهی بخش خصوصی می‌توانست مفید و مناسب باشد، اما اطلاعات مربوطه در دسترس نیست.

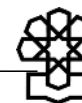
### ی) ذخایر بین‌المللی و خالص موقعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی

جدای از بعضی محدودیت‌ها، افزایش ذخایر باعث افزایش اطمینان و قدرت خودبیمه‌ای آنها می‌شود به عبارت دیگر؛ موجودی بالای ذخایر فضای بیشتری برای مانور به تصمیم‌گیران می‌دهد و اعتمادبه‌نفس بیشتری جهت اتخاذ سیاست‌های انبساطی در رکود می‌دهد. بنابراین موجودی بالای

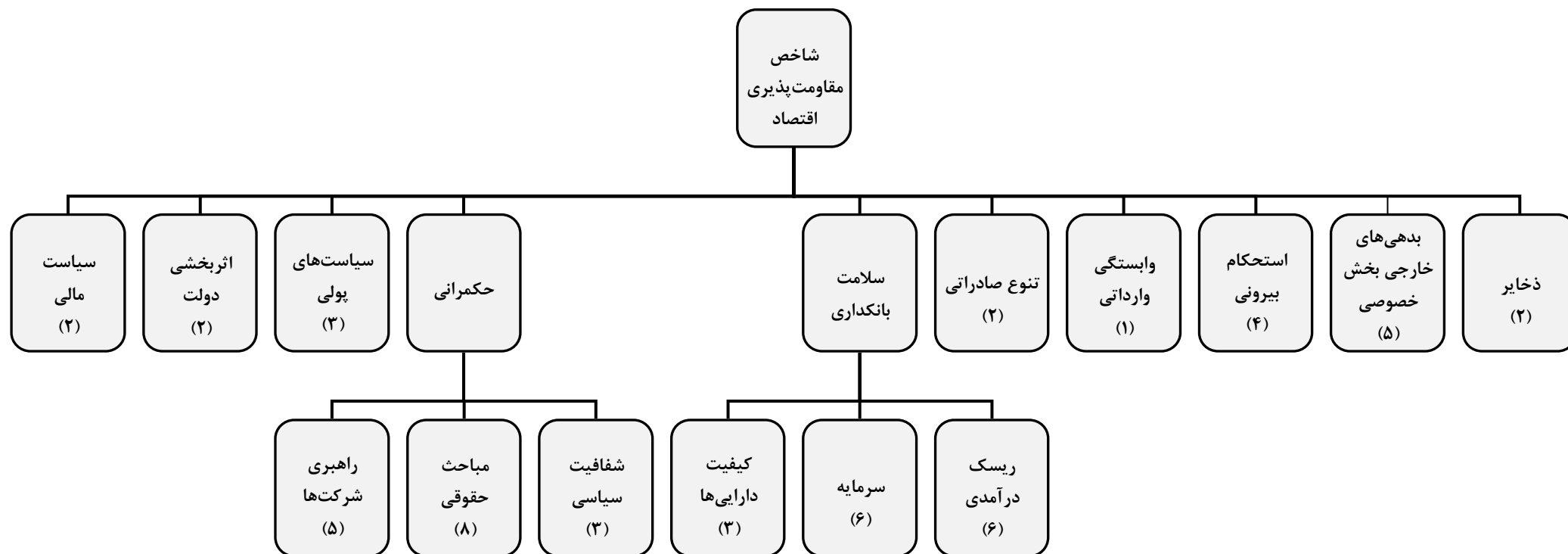
ذخایر مانند یک سپر در برابر شوک‌های خارجی عمل می‌کند. در حالی که به نظر می‌رسد موجودی بالای ذخایر باعث بهبود وضع کشور می‌شود، اما هزینه‌های بسیار مهمی در این زمینه وجود دارد. علاوه بر این، یک مطالعه اخیر صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که جنبه‌های خودبیمه‌ای به تدریج بعد از یک سطح خاصی از موجودی ذخایر کاهش یافته است. سرمایه‌گذاری خارجی مثبت حاکی از قدرت مانور بالا برای بخش خصوصی و بخش عمومی خواهد بود. اجزای این زیربخش شامل نسبت ذخایر بین‌المللی به GDP و نسبت سرمایه‌گذاری خالص به GDP است. همان‌طور که برای استحکام بیرونی نشان داده شد، می‌دانیم که منابع ذخیره بین‌المللی مربوط به اعضای اتحادیه ارز است و مربوط به دیگر کشورها نیست، اما، همان‌طور که در بالا گفتیم، تحلیل عوامل مستلزم آن است که هر متغیر جزء برای تمام کشورها استفاده می‌شود.

شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد همان‌گونه که در نمودار زیر نشان داده شده است از تجمیع ده نماگر به دست آمده است. در داخل پرانتز تعداد متغیرهایی که برای محاسبه هر کدام از این نماگرها استفاده شده ذکر گردیده است.

به غیر از یک یا دو متغیر در زیرشاخص‌ها و بجز عامل استحکام بیرونی و بدهی خصوصی، از بقیه برگ خریدها برای محاسبه شاخص استفاده شده است. در این مطالعه از داده‌های سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۱۱ برای ۱۹۷ کشور استفاده شده است.



## نمودار ۱. اجزای شاخص مقاومت پذیری اقتصاد بورمن



سیستم نمره‌دهی این مطالعه عدد ۱۰۰ نشان‌دهنده میانگین وزنی تمام مشاهدات است و عددهای زیر (بالا) ۱۰۰ برای یک کشور این معنا را می‌دهد که این کشور بدتر (بهتر) نسبت به مقدار جهانی است.

مقاوم بودن یک اقتصاد در برابر شوک‌های اقتصادی و مالی تابعی از عوامل بسیاری است. شامل کیفیت دولت و حکمرانی در حالت کلی؛ قدرت نهادهای آن، به‌ویژه نهادهای تصمیم‌ساز اقتصادی و مالی کشور، سلامت نظام بانکی کشور - به‌طور عام سلامت بخش مالی کشور - ساختار اقتصادی کشور علی‌الخصوص تنوع صادراتی و وابستگی به آن، باز بودن درهای کشور به بازارهای مالی دنیا، فضای سیاستگذاری مالی، پولی و ذخیره‌ای کشور. نتیجه‌ای که این شاخص برای اقتصاد دارد این است که هم مسیر حرکت اقتصاد به‌سوی مشکلات را شناسایی می‌کند و هم اینکه سیاست‌هایی که باعث افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد شود را شناسایی می‌کند (بورمن و همکاران، ۲۰۱۳).

## ۲-۲. شاخص مقاومت‌پذیری بر گولیو و همکاران

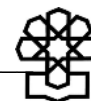
بر گولیو<sup>۱</sup> در مطالعه خود از یک منطق دو بخشی استفاده می‌کند به این معنا که یک چشم به آسیب‌پذیری بیرونی یک اقتصاد دارد (در معرض ریسک‌های خارجی بودن) و چشم دیگری به توان مقابله با آسیب‌های بیرونی (استحکام در واکنش به ریسک‌های خارجی) دارد. بنابراین شاخص بر گولیو ترکیبی از دو شاخص آسیب‌پذیری و مقاومت‌پذیری است. شاخص آسیب‌پذیری از قسمت‌هایی تشکیل شده است که باعث افزایش ریسک‌پذیری اقتصاد می‌گردد و اقتصاد را در معرض خطر قرار می‌دهد.

### ۲-۲-۱. نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد

برای بررسی میزان و چگونگی اثرگذاری شوک‌های وارده به اقتصاد باید نقاط مستعد آسیب را در اقتصاد شناسایی نماییم. مطالعات انجام شده بر روی شاخص آسیب‌پذیری اقتصاد<sup>۲</sup> عمدتاً ناشی از این فرض است که برخی از ویژگی‌های ذاتی و ساختاری اقتصاد باعث می‌شوند که اقتصادها در معرض شوک‌های ناخواسته قرار بگیرند. این ویژگی‌ها شامل درجه باز بودن اقتصاد، وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک، وابستگی به صادرات یک کالای خاص و مقصد صادراتی و دولتی بودن اقتصاد هستند. بعد از مطالعات صورت گرفته بر روی نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد به‌سرعت نیاز به ارائه یک شاخص جهت ارزیابی میزان آسیب‌پذیری اقتصاد بر مبنای احتمال آسیب دیدن اقتصاد از شوک‌های خارجی احساس شد.

1. BRIGUGLIO

2. Economic Vulnerability Index



## – درجه باز بودن اقتصاد

درجه باز بودن اقتصاد به معنای بالا بودن جمع صادرات و واردات به کل تولید ناخالص داخلی: این نسبت به طور متعارف در اقتصادهای موسوم به پیشرفته بین ۳۰ تا ۶۰ درصد است، اما در کشورهای شرق آسیا و در آستانه بحران ۱۹۹۷، بیش از ۱۰۰ درصد و گاه به ۲۰۰ درصد رسیده بود. در این شرایط یک اخلاص خارجی در صادرات یا واردات یا ورود و خروج سرمایه، امواج بزرگی در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و به علت سهم بالای تجارت خارجی در اقتصاد، توقف در تجارت کالایی یا مالی موجب سکنه در کل اقتصاد خواهد شد. این اتفاقی بود که در بحران ۱۹۹۷ ابتدا در بازارهای مالی شرق آسیا (که وابسته به سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاران خارجی بود) و سپس در دیگر بخش‌ها رخ داد (برگولیو، ۲۰۰۶).

درجه باز بودن اقتصاد را می‌توان با شاخص نسبت معاملات بین‌المللی به تولید ناخالص ملی محاسبه کرد. درجه بالای باز بودن اقتصاد کشور را به سوی شرایطی سوق خواهد داد که قابل کنترل در برابر تکانه‌های خارجی نخواهد بود. درجه باز بودن اقتصاد تا حد بسیار زیادی از ویژگی‌های ذاتی اقتصاد است، که از توانایی اقتصاد برای تولید طیف وسیعی از کالا و خدمات جهت تأمین تقاضای کل ناشی می‌شود. اگر میزان تولیدات یک کشور محدود باشد و طیف محدودی از کالاها را تولید کند آنگاه برای تأمین سایر نیازهای خود باید به واردات کالا و خدمات و یا واردات سرمایه روی بیاورد.

## – وابستگی به صادرات یک کالای خاص و مقصد صادراتی

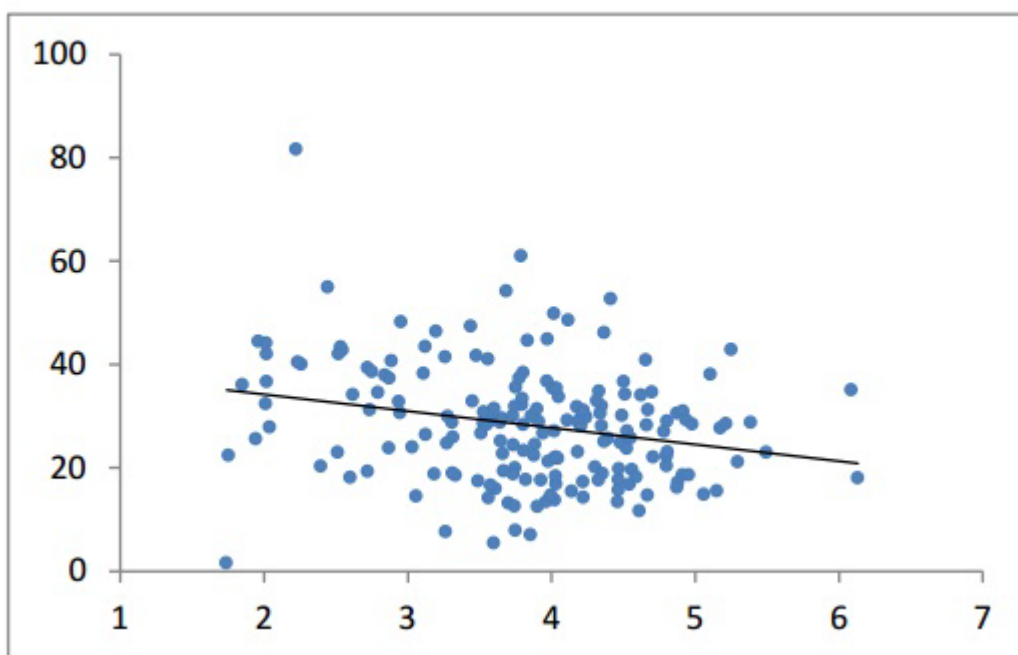
وابستگی حداقلی از صادرات کشور به یک محصول خاص که موجب خواهد شد در صورت ایجاد اخلاص در صادرات آن محصول، هم بخش وسیعی از تولید و اشتغال داخل و هم سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور دچار نقصان گردد.

وابستگی به صادرات یکی از آسیب‌پذیری‌های اقتصاد به شمار می‌رود و اقتصاد را در معرض شوک‌های ناشی از تحریم خرید کالا قرار می‌دهد. گرچه تجارت آزاد و تعاملات گسترده با اقتصاد جهان باعث افزایش رفاه جامعه شده و درآمد کشور را از طریق صادرات افزایش می‌دهد، اما محدود بودن کالاهای صادراتی و یا مقصد صادرات باعث افزایش ریسک تجارت بین‌المللی می‌شود. این خطر برای کشورهایی که با استکبار جهانی مبارزه می‌کنند بیش‌ازپیش خواهد بود. برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد باید هم تنوع صادراتی کشور را افزایش داده و کالاها و خدمات گسترده‌تری را صادر کنیم و هم شرکای تجاری خود را افزایش بدهیم و با تعداد بیشتری از کشورهای دنیا تعامل داشته باشیم. تنوع بخشیدن به صادرات با تقویت بخش تولید و خدمات از طریق حمایت‌های مالی، افزایش بهره‌وری و دانش‌بنیان کردن اقتصاد قابل تحقق است. تنوع بخشیدن به بازارهای بین‌المللی یکی از راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری به اقتصاد خواهد بود. متنوع بودن بازار برای صادرات موجب آن می‌شود که با تحریم شوک درآمدی از ناحیه صادرات به کشور وارد نشود.

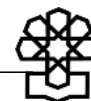
### – وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک و یا کالاهای سرمایه‌ای

جنبه دیگر خطرپذیری اقتصاد وابسته بودن اقتصاد به کالاهای استراتژیک و کالاهای سرمایه‌ای است. این وابستگی اقتصاد را در معرض شوک‌های ناشی از تحریم صادرات این دسته از کالاها به داخل کشور قرار می‌دهد. در اینجا شوک به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی صورت می‌گیرد. همچنین اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود برطرف شود، خطر بروز شوک چندین برابر می‌شود. در مورد تجارت بین‌المللی اصل بر این است که شرکای تجاری خود را گسترده کنیم و سطح تعاملات تجاری خود را با هر کشور از حد معینی بالاتر نبریم که در صورت تحریم و یا بروز شوک، اقتصاد دچار تلاطم شدید نشود و بتواند به راحتی به دنبال جایگزین مناسب باشد. در ارزیابی صورت گرفته در مطالعه برگوگلیو رابطه بین اندازه کشور و وابستگی به کالاهای استراتژیک به صورت نموداری بیان گردیده است.

نمودار ۲. رابطه اندازه اقتصادها با میزان وابستگی به کالاهای استراتژیک



این نمودار در محور عمودی میزان وابستگی به کالای استراتژیک و در محور افقی اندازه یک کشور نشان داده شده است که همان‌گونه که از نمودار پیداست کشورهای کوچک عمدتاً دارای وابستگی بیشتری هستند.



## – درجه دولتی بودن اقتصاد

یکی از تهدیدهای اقتصادی بالا بودن غیرمنطقی سهم دولت در اقتصاد و درجه دولتی بودن اقتصاد است. این پدیده علاوه بر تخصیص ناکارآی منابع باعث افزایش رانت و فساد اقتصادی در اقتصاد می‌شود. همچنین قدرت تحرک دولت‌ها را گرفته در صورت بروز شوک‌های خارجی به اقتصاد و دولت آسیب‌های جدی وارد می‌شود. وقتی هزینه‌های دولت از یک حدی بیشتر شود منافع ناشی از آن کم‌رنگ می‌شود. درواقع به‌عنوان یک قاعده کلی دولت‌هایی که کمترین میزان افزایش مخارج دولتی را دارند کارتر و خلاق‌تر خواهند بود (دادگر و نظری، ۱۳۸۷).

البته ادبیات جدید اقتصادی بیش از اندازه بزرگ دولت به کیفیت نقش‌آفرینی و چگونگی مداخلات دولت حساس است. تجربه اقتصادی ایران، سیاستگذاران عالی‌رتبه کشور را به این سو سوق داد که با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل‌چهل‌وچهارم قانون اساسی، محوریت تصدیگری‌ها را به بخش خصوصی و تعاونی واگذار نمایند تا بدین ترتیب حضور مردم در اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی باعث شکوفا شدن اقتصاد، توزیع منابع و ثروت میان گروه‌های مختلف جامعه شود.

یکی از موانع اصلی اختلال فزآینده اقتصادی ایران جایگزینی دولت با بخش خصوصی بوده که به جهت افزایش سهم دولت و شرکت‌های دولتی در تولید ناخالص کشور منجر به بیرون راندن بخش خصوصی از فعالیت‌های اقتصادی گردیده است. اگرچه نباید فراموش کرد که به علت موانع نهادی به‌ویژه ساختار اقتصاد سیاسی ایران در سه دهه اخیر (خصوصاً در اثر پیامدهای افزایش درآمدهای نفتی در این اقتصاد) که باعث انحراف اقتصاد ایران از تولید ثروت به سوی فروش ثروت‌های طبیعی و نهادسازی برای نحوه توزیع آن گردیده بخش خصوصی در کشور ما خود نه‌عنوان نهاد و ساختار مستقل، بلکه اغلب به‌طور وابسته به بخش دولتی، رشد یافته است. لذا معالجه اقتصاد ایران نیازمند ساختار شکنی و رفع موانع نهادی براساس جایگزینی رابطه بهینه دولت-بازار و باورهای مبتنی بر اصول اقتصادی و قواعد وحدت‌بخش عدالت اقتصادی است (عیوضلو ۱۳۸۷).

نمودار زیر نشان می‌دهد که تا نقطه B با افزایش اندازه دولت رشد افزایش می‌یابد که شاید بتوان دلیل آن را قانون واگنر<sup>۱</sup> دانست. اما بعد از نقطه B رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. این نشان می‌دهد افزایش اندازه دولت تا حدی نیاز است (دادگر و نظری، ۱۳۸۷).

---

۱. قانون واگنر بیان می‌کند دولت‌ها به دو دلیل نیاز به بزرگ شدن دارند: اول اینکه هرچه به سمت دولت رفاه پیش برویم با افزایش سطح توقعات مردم در مورد امنیت، آموزش، بهداشت و ... دولت برای پاسخگویی به این توقعات باید هزینه کند و کارایی و بهره‌وری را افزایش دهد. دوم اینکه، با رفتن به سمت دولت رفاه سازمان‌های دولتی از جمله سازمان‌های تأمین اجتماعی و ... تمایل به گسترده شدن دارند.

نمودار ۳. منحنی اندازه دولت - رشد اقتصادی



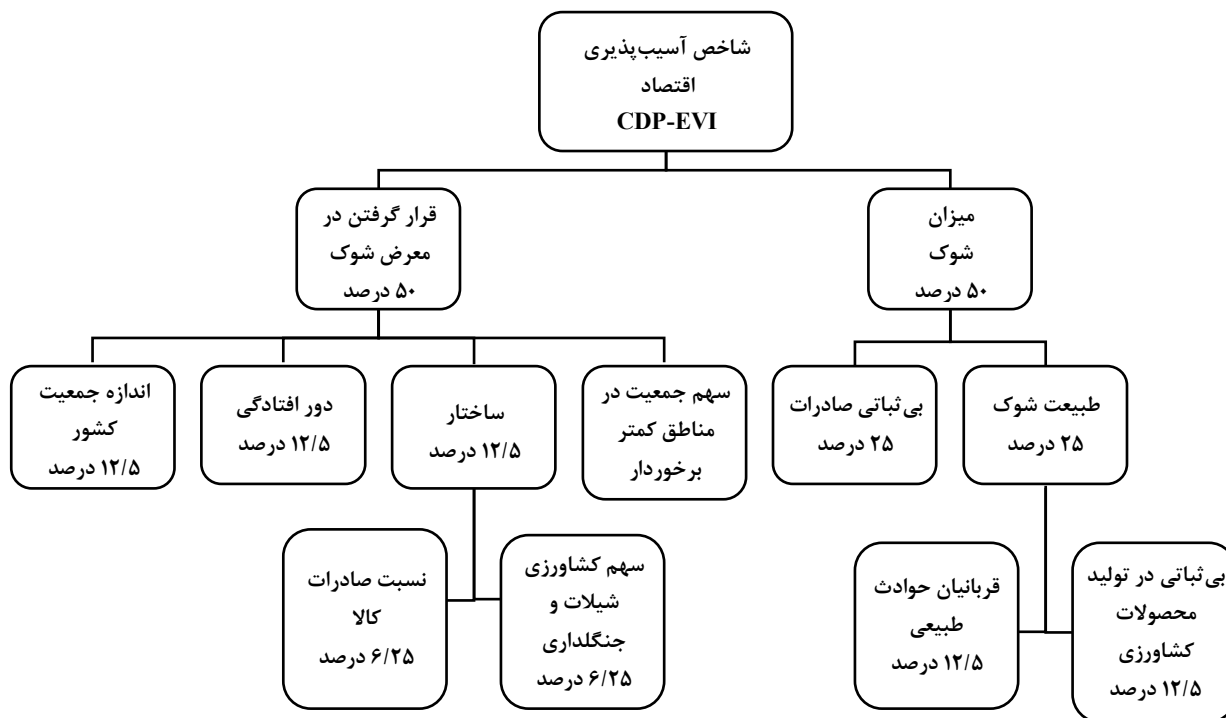
برای محاسبه درجه دولتی بودن اقتصاد می‌توان از شاخص‌های اندازه مخارج دولت به تولید ناخالص ملی، اندازه درآمدهای ناشی از تصدیگری دولت به تولید ناخالص ملی و سهم دولت در تولید ناخالص ملی استفاده کرد. تمام شاخص‌های آسیب‌پذیری اقتصاد که با این متغیرها به دست آمده‌اند این نتیجه را به دست دادند که در کشورهای کوچک عموماً گرایش به آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایر کشورها وجود دارد.

نهایتاً کمیته سیاست‌های توسعه سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> برای تعیین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نسخه نهایی از این شاخص موسوم به CDP-EVI ارائه کرد. این شاخص برای منعکس کردن خطر شوک‌های برون‌زا تولید شده است. البته توسعه‌دهندگان این شاخص معتقد هستند که این شاخص توانایی محاسبه تلاطم ایجاد شده توسط متغیرهای ناشی از سیاست را ندارد. این شاخص از دو جزء اصلی تشکیل شده است، یکی اندازه شوک و دیگری میزان قرار گرفتن در معرض شوک. هر کدام از این دو جزء از اوزان برابری برخوردار هستند. همچنین هر کدام از این اجزا زیرشاخه‌هایی دارند که در نمودار زیر مشخص گردیده است.

1. The United Nations Committee for Development Policy (CDP)

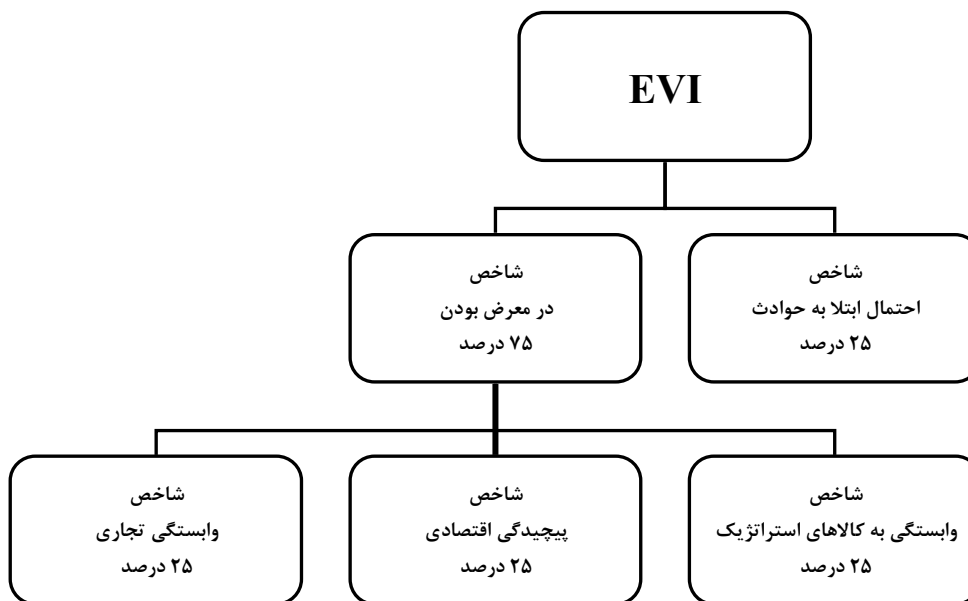


## نمودار ۴. شاخص آسیب‌پذیری کمیته سیاست‌های توسعه سازمان ملل



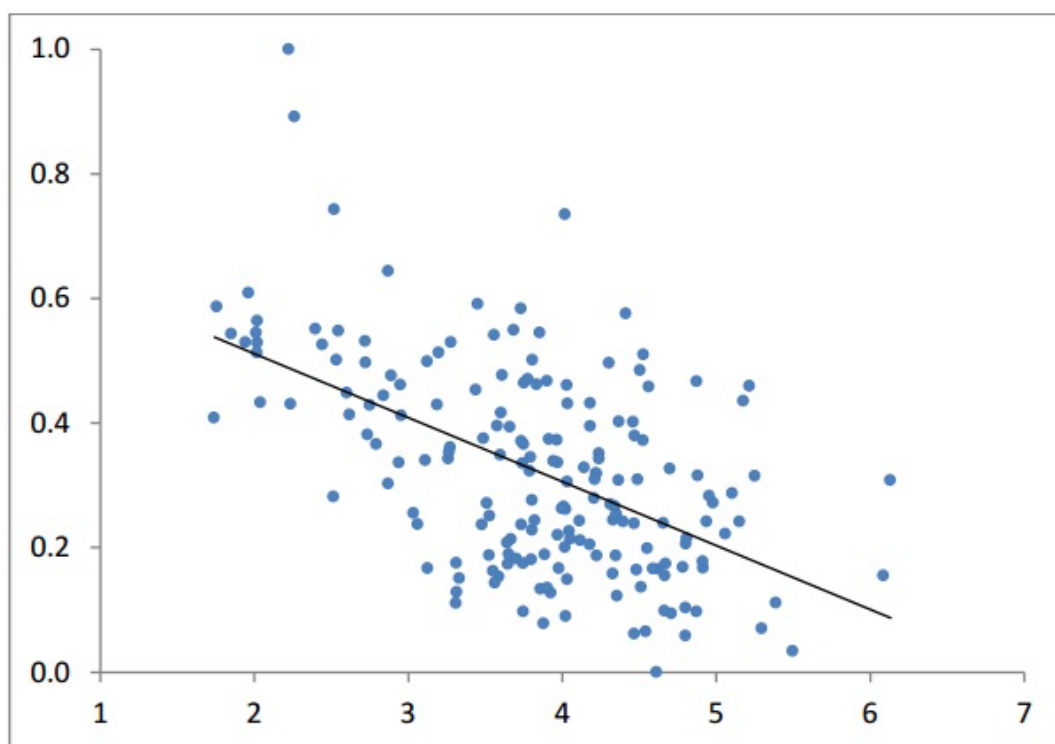
همچنین در مطالعه بر گویو شاخص آسیب‌پذیری اقتصاد به صورت زیر تعریف شده است. البته اجزای آسیب‌پذیر در اقتصاد از منظر هر دو شاخص یکی هستند و صرفاً در نحوه ساخت شاخص ترکیبی باهم متفاوت هستند.

## نمودار ۵. شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی بر گویو



مجموعاً و نهایتاً مطالعه این شاخص‌ها این نتیجه را احصا می‌کند که کشورهای کوچک‌تر تمایل بیشتری به آسیب‌پذیری دارند و این به دلیل ساختار این کشورهاست. نمودار زیر رابطه بین میزان آسیب‌پذیری اقتصادی و اندازه کشور را بیان می‌کند. در محور عمودی نمودار میزان آسیب‌پذیری و در محور افقی اندازه کشورها نشان داده شده است.

نمودار ۶. رابطه اندازه اقتصادها با شاخص آسیب‌پذیری



نتیجه‌گیری فوق نیز در این نمودار قابل مشاهده است. هرچه اندازه کشورها بیشتر می‌شود میزان آسیب‌پذیری آنها کمتر می‌شود. همچنین کشورهای کوچک دارای میزان آسیب‌پذیری بیشتر همراه با مقدار نسبتاً بالای از وابستگی به کالاهای استراتژیک، در باز بودن بالا هستند.

## ۲-۲-۲. عوامل استحکام بخش در اقتصاد

اما بعد دیگری از شاخص بر گوگلیو به توان و استحکام داخلی اقتصادها در برابر تکانه‌های خارجی اختصاص دارد. طبق مطالعه بر گوگلیو (۲۰۰۶) مقاوم بودن اقتصاد را می‌توان در ۴ مورد بررسی کرد. ثبات اقتصاد کلان، انعطاف‌پذیری بازارها، توسعه اجتماعی و حکمرانی خوب. هر کدام از این حوزه برای استحکام اقتصاد دلالت‌هایی دارند. در ادامه به این حوزه‌های کلان، دلالت‌ها و نحوه محاسبه هر کدام آشنا می‌شویم.



## - ثبات اقتصاد کلان

در توصیف یک محیط اقتصاد کلان بر پنج شاخص نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره وضعیت مالی دولت و وضعیت تراز پرداختها تأکید می‌شود. در صورتی که کسری بودجه (به صورت نسبی از GDP) در سطح معقولی باشد و نرخ تورم نیز کم و قابل پیش‌بینی باشد، نرخ واقعی ارز رقابتی و نزدیک به سطح تعادلی و وضعیت نرخ بهره و تراز پرداختها مناسب رشد و توسعه باشد محیط اقتصاد کلان شرایط باثباتی خواهد داشت. این تصویری است که عموماً در کشورهای پیشرفته مشاهده می‌شود. در مقابل کشورهای در حال توسعه غالباً با نرخهای بالا و متغیر تورم، کسری بودجه فزاینده و ناپایدار نوسانات شدید نرخ واقعی ارز و کسری مزمن تراز پرداختها مواجه هستند.

ثبات اقتصاد کلان مبنای اصلی رشد پایدار اقتصادی است، زیرا پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات، تراز پرداختها را بهبود می‌بخشد. رشد پایدار اقتصادی مستلزم کارکرد آزاد و رقابتی قیمت‌ها و ایجاد یک محیط امن اقتصادی برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده و در این ارتباط ثبات اقتصاد کلان می‌تواند نقش بسیار مؤثری داشته باشد. به علاوه ثبات اقتصاد کلان درباره جهت سیاست‌های اقتصادی و اعتبار متولیان پولی و مالی کشور در مدیریت کارآمد اقتصادی برای بخش خصوصی علائم مهمی به دنبال دارد (خلیلی عراقی و رمضانپور، ۱۳۸۰).

ثبات اقتصاد کلان با متغیرهایی که با عدم تعادل مرتبط هستند مانند تغییرات قیمتی، کسری بودجه و بدهی دولت، پرداخت‌های تراز حساب‌های جاری، بیکاری و نرخ ارز اندازه‌گیری می‌شود. یکی از آشکارترین این عدم تعادلها نوسان تولید ناخالص داخلی است که اقتصاد را به سمت ناپایداری سوق می‌دهد.

بریگیوگلیو و دیگران (۲۰۰۶) در مقاله همبستگی ثبات اقتصادی و انعطاف‌پذیری اقتصاد بیان می‌کند که ثبات در اقتصاد در ارتباط مستقیم بین برهمکنش تقاضا و عرضه کل در اقتصاد است، اقتصاد در شرایط تعادل داخلی خواهد بود اگر موقعیت مالی پایدار داشته باشد، تورم قیمتی قابل قبول باشد و نرخ بیکاری به نرخ طبیعی نزدیک باشد، همچنین اقتصاد در تعادل خارجی نیز در موقعیت تعادل پرداخت‌های حساب جاری منعکس می‌شود. این متغیرها به شدت تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی هستند و می‌توانند شاخص‌های مناسبی برای انعطاف‌پذیری اقتصادی در مواجهه با شوک‌های مضر باشند.

مؤلفه‌های ثبات اقتصادی مرتبط با شاخص انعطاف‌پذیری به‌وسیله بریگیوگلیو بیان شده است. این

مؤلفه‌ها شامل سه متغیر می‌شوند:

- نسبت کسری بودجه به GDP.

- شاخص فلاکت که به‌وسیله جمع نرخ بیکاری و تورم ساخته می‌شود،

- نسبت بدهی خارجی به GDP. داده‌های این متغیرها برای طیف گسترده‌ای از کشورها بر مبنای درجه توسعه‌یافتگی، اندازه و موقعیت جغرافیایی کشورها در دسترس است. موقعیت بودجه‌ای دولت با انعطاف‌پذیری طبیعی آن در مقابله با شوک‌ها مرتبط است. به این دلیل که جایگاه بودجه‌ای سالم به دولت اجازه می‌دهد که مخارج و مالیات‌های خود را متناسب با شوک‌های مضر تعدیل کند. تورم قیمت‌ها و بیکاری با انعطاف‌پذیری یا عدم آن همبستگی دارند به این دلیل که اگر اقتصاد در شرایط با بیکاری و تورم اندک باشد، شوک‌های مضر هزینه‌های رفاهی زیادی بر جامعه تحمیل نخواهد کرد. در نتیجه بیکاری و تورم در جذب شوک‌ها ماهیت منعطفی دارند. نسبت بدهی خارجی به GDP معیار مناسبی برای سنجش مقاومت‌پذیری است به این دلیل که یک کشور با بدهی خارجی بالا برای کنترل شوک‌های برون‌زا، دچار مشکلات عدیده‌ای در جابجایی منابع است. بنابراین این متغیر میزان انعطاف‌پذیری در خنثی کردن شوک‌ها را برآورد می‌کند. همچنین دوباره در اینجا تأکید می‌کند که نوسانات GDP برآمده از دو عامل از میان دیگر عوامل تأثیرگذار بر نوسانات است یعنی آسیب‌پذیری ذاتی اقتصاد به شوک‌های خارجی و آثار سیاستی که متوقف یا تشدید می‌کند آثار شوک‌ها را. لذا این یک رویکرد صحیح برای در نظر گرفتن نوسانات GDP به‌عنوان یک شاخص برای تأثیر سیاست‌ها بر انعطاف‌پذیری نیست.

### - کارآیی بازار

اگر بازار به سرعت تعدیل شود، آن‌گاه آثار شوک‌ها می‌تواند به سرعت از بین برود و تعدیل‌های نسبی به راحتی انجام می‌پذیرد. به عبارت دیگر عدم تعادل بازار ادامه پیدا خواهد کرد خصوصاً در مواقع بروز شوک‌های مخالف، منابع به صورت کارآ تخصیص پیدا نخواهد کرد در نتیجه هزینه‌های رفاه افزایش داشته، جریان رو به خارج سرمایه رخ خواهد داد و منابع بیکار شد و در بازار کالا کمبود رخ خواهد داد. برای مثال، بازارهای مالی را در نظر بگیرند. اگر در برابر شوک جانبی، بازار با استفاده از نرخ بهره بالاتر و قیمت‌داری‌ها کمتر پاسخ بهینه‌ای بدهند، سرمایه را می‌توان در اقتصاد حفظ کرد و همانند شوک‌های منفی، در متغیرهای قیمتی و نه در حجم سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی منعکس شود که تأثیر مهمی در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد. به عبارت بهتر اگر قیمت در بازارهای مالی در تعدیل شکست بخورد، آن‌گاه به احتمال زیاد در مواجهه با شوک‌های منفی سرمایه اقتصاد را ترک خواهد کرد و این اتفاق بر فعالیت‌های اقتصادی و بیکاری تأثیر خود گذاشت. ملاحظات مشابهی برای به تعادل رسیدن بازار محصول و کالا وجود دارد. به هر حال این مسئله از منظر جذب شوک‌های وارد شده به اقتصاد مهم باشد.



### - حکمرانی شایسته

حکمرانی شایسته الگویی است که در پی ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه توسط کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شده است (همان‌طور که در شاخص بورمن نیز بدان اشاره شد). حکمرانی شایسته طبق تعریف عبارت است از نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که به‌وسیله آن جامعه، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود از طریق تعامل سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند. حکمرانی شایسته شامل سازوکارها فرآیندها و نهادهایی است که به‌واسطه آنها به شهروندان گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال و حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند. موضوع حکمرانی شایسته با هدف دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر ایجاد شغل و رفاه پایدار حفاظت و تجدید محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۳).

حکمرانی شایسته برای یک سیستم اقتصادی و عملکرد صحیح آن و برای مقاومت‌پذیری ضروری است. حکومت‌داری با مسائلی مانند حاکمیت قانون و حقوق مالکیت در ارتباط است. بدون سازوکارهایی از این نوع، شوک‌های جانبی به‌راحتی می‌توانند منجر به هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی و ناآرامی شوند. از این‌رو آثار آسیب‌پذیری بزرگ می‌شود. از سوی دیگر، حکمرانی شایسته می‌تواند انعطاف‌پذیری اقتصاد را تقویت کند.

شاخص جهانی آزادی اقتصادی که بر ساختار حقوقی و امنیت حق مالکیت تمرکز دارد، شامل اجزای مفیدی برای محاسبه شاخص حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب با پنج زیرمجموعه تعریف می‌شود:

- استقلال قضایی،
- بی‌طرفی دادگاه،
- حفاظت از حقوق مالکیت معنوی،
- دخالت نظامی در حاکمیت قانون،
- سیستم سیاسی و یکپارچگی نظام حقوقی.

### - توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی یکی دیگر از عناصر ضروری برای انعطاف‌پذیری اقتصادی است. این عامل نشان می‌دهد که تا چه حد روابط اجتماعی در یک جامعه به‌درستی توسعه داده شده‌اند و دستگاه‌های اقتصادی بدون ممانعت ناآرامی‌های مدنی قادر به اجرای مؤثر خواهند بود. انسجام اجتماعی نیز می‌تواند نشان دهد که تا چه حد گفتگوی اجتماعی در اقتصاد مؤثر است، که به‌نوبه خود رویکردهای مشترک نسبت به انجام اقدامات اصلاحی در برابر شوک‌های جانبی را قادر می‌سازد. بنابراین، این فرضیه که توسعه اجتماعی به‌طور مستقیم مربوط به انسجام اجتماعی است را نمی‌توان به‌طور تجربی، به‌دلیل نبود داده، آزمایش کرد.

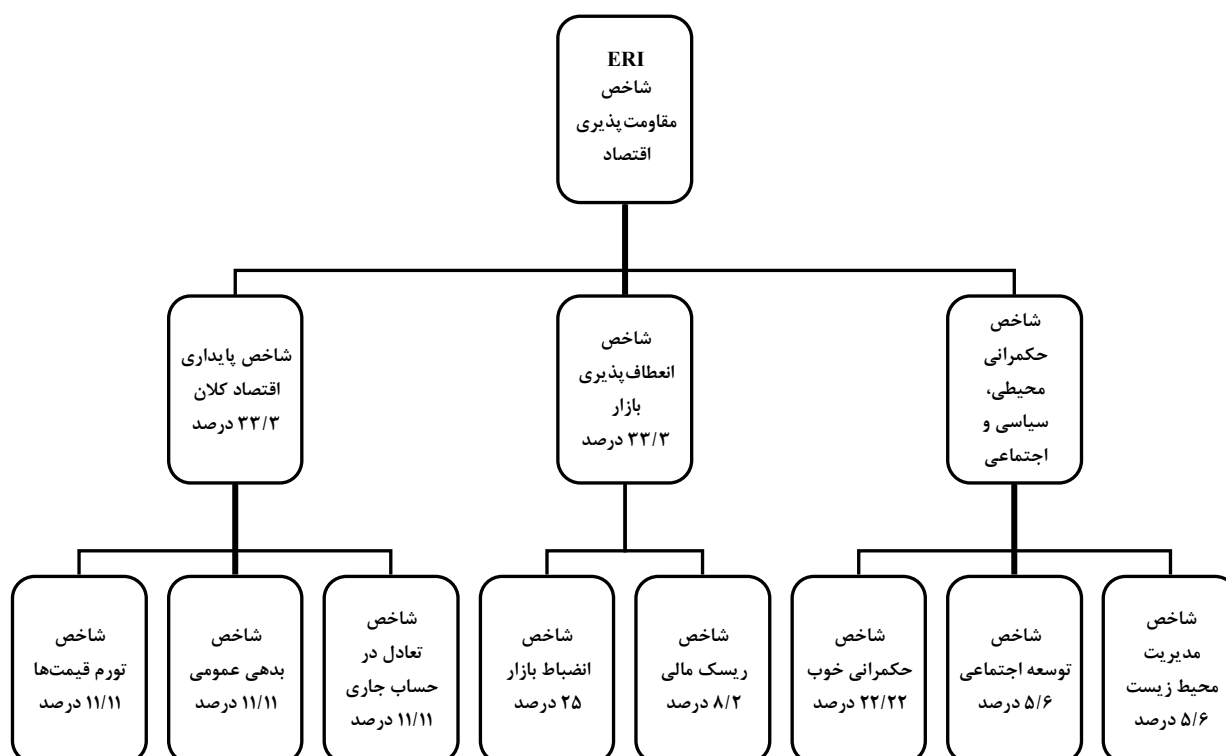
توسعه اجتماعی در یک کشور را می‌توان به روش‌های مختلف اندازه‌گیری کرد. متغیرهای مربوط به درآمد مانند پراکندگی آن و نسبت جمعیتی که در فقر زندگی می‌کنند، نرخ بیکاری طولانی‌مدت، نشان‌دهنده نسبت جمعیت بامهارت کم و چشم‌انداز اشتغال ناکافی است و نسبت جمعیت با سطح پایین آموزش و پرورش می‌تواند که شاخص مفیدی باشد. باین‌حال یکی دیگر از روش‌های ممکن برای اندازه‌گیری تعداد و میزان نمونه‌هایی از ناآرامی‌های صنعتی و مدنی خواهد بود. این روش جالبی است، اما برای اندازه‌گیری در همه کشورها نسبتاً محدود و دشوار است.

با توجه به معیارهایی که تاکنون شرح دادیم می‌توانیم شاخص اقتصاد مقاومتی را تعریف کنیم. لذا با نرمال کردن داده‌ها و سنجش آن برای ۸۶ کشور این نتیجه به دست آمده که کشورهای پیشرفته و دارای ساختار متشکل و منظم میزان بالایی از شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد را دارا هستند. این کشورها دارای ساختار پیشرفته و توسعه‌یافته اجتماعی و اقتصادی بوده و نیروهای بازار در تخصیص منابع تسلط بیشتری دارند.

### ۳-۲-۲. ساخت شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد

برای تولید شاخص اقتصاد مقاومتی از ۵ جزء از اجزای این شاخص را که در بالا توضیح دادیم را در ۳ دسته تقسیم می‌کنیم. هر دسته دارای وزن یکسانی هستند. دلیل اینکه این سه جنبه از حکومت باهم هم‌گروه شده‌اند وجود یک همپوشانی و اتحاد بین آنهاست.

#### نمودار ۷. اجزای شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد بر گویو





اجزای این شاخص بخش‌های استحکام‌بخش اقتصاد هستند و هرکدام به‌طور جداگانه باعث تقویت و استحکام اقتصاد می‌شوند.

#### ۲-۲-۴. چارچوب تحلیلی آسیب‌پذیری - مقاومت‌پذیری

نهایتاً با تعریف شاخص‌های مقاومت‌پذیری اقتصاد و شاخص آسیب‌پذیر بودن اقتصاد به قسمت نهایی مطالعه برگوگلیو می‌رسیم. در این مطالعه با توجه به آسیب‌پذیر بودن ذاتی اقتصاد و سیاست‌های مقاوم‌سازی اقتصاد برگوگلیو و همکارانش یک چارچوب تئوریک برای ارزیابی آثار شوک‌های خارجی وارد شده به اقتصاد طراحی کرده‌اند که در شکل زیر نمایش داده شده است. این نمودار نشان می‌دهد که ریسک از طریق دو جزء تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اول از طریق نقاط دارای تلاطم یا آسیب‌پذیر در اقتصاد که از ویژگی‌های ذاتی و ساختاری هر اقتصادی است (که باعث در معرض ریسک قرار گرفتن اقتصادها می‌شوند) ناشی می‌شود. این نقاط آسیب‌پذیر از طریق عواملی که در شاخص آسیب‌پذیری اقتصاد اشاره شد تقویت می‌شود. دومی عامل در ارتباط با اقدامات سیاستی است که اقتصاد را به سمت ثبات اقتصادی، منعطف بودن بازارها، توسعه اجتماعی و حکمرانی خوب سوق می‌دهد. آثار منفی ناشی از ریسک تحت تأثیر ترکیب این دو عامل است. علامت منفی در مقابل عامل مقاومتی نشان‌دهنده این است که این عامل آثار منفی ناشی شوک‌ها را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر وجود عامل تلاطم‌های اقتصادی باعث افزایش آثار منفی شوک‌هاست و عملاً اقتصاد را در معرض ریسک قرار می‌دهد.

#### نمودار ۸. نسبت‌های چهارگانه شاخص آسیب‌پذیری و شاخص مقاومت‌پذیری



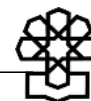
با کنار هم قرار دادن نقاط آسیب‌پذیر در اقتصاد و نقاط تقویت‌کننده چهار سناریو برای بررسی رفتار بنگاه‌ها طراحی شد. این چهار سناریو تحت عنوان کشورهای خودساخته، کشورهای ولخرج، بهترین حالت و بدترین حالت طراحی شده‌اند.

کشور دارای بهترین سناریو کشوری است اقتصاد آن نقاط آسیب‌پذیری ذاتی ندارد و همزمان سیاستگذاری آن در مسیر تقویت مقاوم‌سازی اقتصاد است. به‌طور عکس، سناریو بدترین حالت مربوط اقتصادی است علیرغم داشتن آسیب‌پذیری‌های فراوان در اقتصاد مسیر سیاستگذاری در جهت تضعیف مقاومت اقتصادی است. کشورهای خودساخته دارای اقتصادی هستند که با توجه به داشتن زیرساخت‌ها متلاطم و آسیب‌پذیر مسیر سیاستگذاری آن به سمت مقاومتی کرد اقتصاد و برطرف کردن نقاط ضعف اقتصاد از بین بردن آثار منفی شوک‌هاست. از طرف دیگر کشورهای ولخرج، دارای متلاطم و آسیب‌پذیری کمتری در ساختار اقتصاد هستند، اما سیاستگذاری و رفتار اقتصاد به سمت افزایش آثار شوک‌های وارده به اقتصاد است.

#### نمودار ۹. دو رکن تعیین‌کننده ریسک اقتصادی کشورها



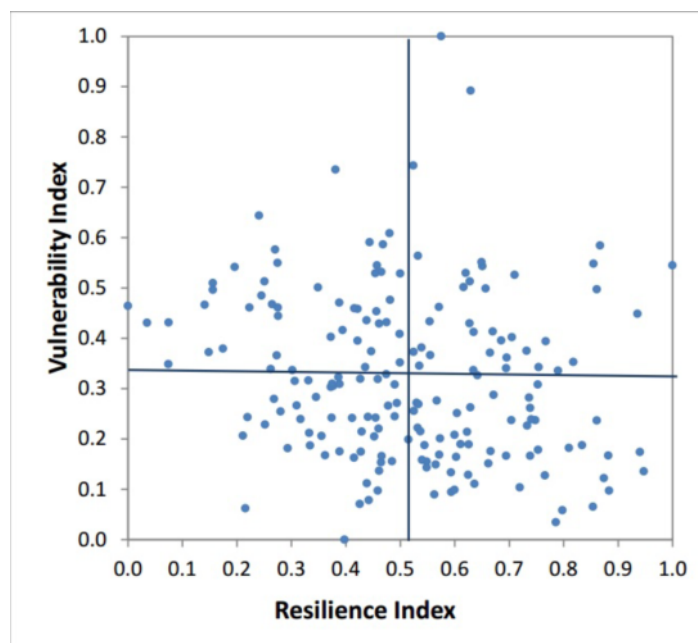
نتایج بررسی کشورها حاکی از آن است که کشورهایی که در دسته بهترین‌ها قرار می‌گیرند معمولاً کشورهای بزرگ و توسعه‌یافته هستند، کشورهای که در دسته خودساخته قرار می‌گیرند برخی از کشورهای کوچک با ساختار آسیب‌پذیر بالا هستند. دسته ولخرج‌ها معمولاً شامل کشورهای بزرگ و توسعه‌یافته و دسته بدترین‌ها شامل کشورهای کوچک و آسیب‌پذیر همراه با ضعف در حکمرانی



اقتصادی هستند.

این شکل ارائه شاخص که در آن آسیب‌پذیری اقتصاد را ناشی از ساختارهای ذاتی اقتصاد برشمردیم و مقاوم‌سازی آن را از طریق اعمال سیاست دانستیم مزیت‌هایی دارد. اول اینکه آسیب‌پذیری‌های اقتصاد به صورت زیرساختی و ذاتی اقتصاد است و ناشی از سیاست‌های اعمال شده در اقتصاد نیست. به عبارت دیگر کشورهایی که دارای آسیب‌پذیری‌های بالایی هستند را نمی‌توان به دلیل اتخاذ سیاست‌های غلط مورد عتاب قرار داد. دوم اینکه شاخص مقاومتی اشاره به این نکته دارد که کشورها می‌توانند نقاط ضعف اشکالات پیش‌آمده از طریق شوک‌ها را از طریق اعمال سیاست‌های درست کاهش دهند. نکته سوم این است که ترکیب این دو عامل میزان استعداد کشور برای در معرض ریسک قرار گرفتن و آسیب‌پذیری را مشخص می‌کند.

#### نمودار ۱۰. پراکندگی اقتصادها در دو شاخص آسیب‌پذیری و مقاومت‌پذیری



در این نمودار نتیجه محاسبه این شاخص برای کشورهای جهان ارائه شده است. تقسیمات چهارگانه در نمودار بالا در نمودار پایین نیز عیناً تکرار شده است.

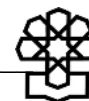
از این مطالعه نکات حائز اهمیتی منتج می‌شود. اول اینکه ساختار استحکام اقتصاد چندوجهی است و در این رویکرد جامع حکمرانی اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی در راستای همراهی و حمایت از سیاست‌های اقتصادی است. ثانیاً با توجه به استعداد شدید در معرض شوک بودن کشورهای کوچک، آنها باید به سیاست‌های مقاوم‌سازی اقتصاد اهمیت بیشتری بدهند و این سیاست را در برنامه‌ها و استراتژی‌های ملی خود جاسازی کنند (برگولیو و همکاران، ۲۰۱۳).

طبق محاسبات انجام شده، شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد برای ایران در سال ۲۰۰۶ برابر ۰/۵۱۴ بوده است. در این سال ایران در بین کشورهای جهان رتبه ۵۷ را دارا بوده است. شاخص آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۶، برابر با ۰/۳۸۹ بوده است و در این شاخص در دنیا رتبه ۲۸ ام را کسب کرده بود. با توجه به این محاسبات ایران در دسته کشورهای دارای بدترین وضعیت قرار می‌گیرد. اما در سال ۲۰۱۳، شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد برای ایران برابر ۰/۳۸۵ بوده و شاخص آسیب‌پذیری ایران برابر ۰/۲۶۲ بوده است. ایران در مطالعه صورت گرفته در سال ۲۰۱۳ از گروه بدترین وضعیت به گروه دارای وضعیت ولخرج نقل مکان داشته است. به بیان دیگر طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ گرچه از معرض در آسیب بودن و ریسک بیرونی اقتصاد ایران کاسته شده، اما همزمان توان داخلی برای مقابله با شوک‌های خارجی نیز کاهش یافته است.

### ۳. ارزیابی شاخص‌های بورمن و برگولیو

همان‌طور که پیش از این گفته شد اساس حرکت به سمت شاخص‌سازی در موضوع اقتصاد مقاومتی ضرورتی جدی و مفید برای سیاستگذاران است. حتی برای محافل آکادمیک نیز ساختن شاخص برای اقتصاد مقاومتی می‌تواند زمینه بحث و نقد و تکمیل شاخص‌های اولیه را فراهم کند و به مرور امکان مطالعات اثباتی جدیدی را میسر کند. برای مثال پیش از ساختن شاخص توسعه انسانی، امکان بررسی رابطه معنادار مثبت یا منفی یا تعیین شدت این رابطه بین توسعه انسانی و دیگر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی وجود نداشت، اما پس از شاخص‌سازی، زمینه تحقیقات اثباتی متعددی برای کشورهای مختلف فراهم شد. اساساً ساختن شاخص‌های ترکیبی برای مفاهیم چندبعدی و کیفی روندی است که در یکی دو دهه اخیر در سطح جهانی شتاب گرفته است به طوری که بیش از ۱۶۰ نام‌گر ترکیبی در سطح بین‌المللی تدوین و منتشر می‌شود (باندورا، ۲۰۰۶). شاخص توسعه انسانی، شاخص ریسک جهانی، شاخص سهولت کسب‌وکار، شاخص رقابت‌پذیری جهانی، شاخص آزادی اقتصادی، شاخص جهانی‌شدن، شاخص دستیابی به فناوری و شاخص اقتصاد مبتنی بر دانش از جمله این شاخص‌های ترکیبی هستند. در نتیجه ساختن شاخص برای اقتصاد مقاومتی می‌تواند چنین پیامدهای مثبتی را برای مطالعات دانشگاهی و نظری به دنبال داشته باشد. بر این اساس شاخص‌های بورمن و برگولیو، می‌تواند نقطه شروع خوبی در این مسیر باشد، اما به دلایل متعدد نمی‌تواند ما را از تلاش‌های بومی برای کمی‌سازی این مفهوم بی‌نیاز کند، هر چند در این میان منقح بودن مبنا و احصای دقیق‌تر ابعاد مقاومت‌پذیری اقتصاد در شاخص برگولیو بیش از شاخص بورمن است. اما نقدهایی در خصوص هر دو شاخص مذکور وارد است که عبارتند از:

- یکی از نقاط ضعف دو شاخص مذکور، روشن نبودن یا حداقل مستحکم نبودن مبنای نظری این



شاخص‌هاست. اصل در فرآیند شاخص‌سازی آن است که باید پیش از تدوین شاخص دو مرحله مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی صورت گیرد و در واقع هر شاخص تجلی محسوس یک مفهوم تصریح یافته به همراه یک تئوری است. به همین علت است که گاه شاخص‌های متفاوتی برای یک مفهوم در ادبیات اقتصادی وجود دارد. برای مثال تفاوت معنایی (نه روش‌شناختی) شاخص‌های نابرابری ناشی از نظریه‌ای است که پیرامون مفهوم نابرابری ساخته شده است و هر نظریه، عناصر متفاوتی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر متغیر برجسته می‌سازد. هرچند که در صورت یکسان بودن تئوری و تبیین نابرابری باز هم ممکن است با دو روش شاخص‌سازی متفاوت به دو شاخص مختلف برسیم. درباره شاخص‌های مقاومت اقتصادی، گرچه تلاش شده است که ابهام در سطح مفهوم تاحدی زدوده شود، اما به‌دلیل نوپابودن ادبیات، همچنان نظریه‌ای که پایه شاخص‌سازی قرار گرفته روشن نشده است.

- حتی در سطح همان مفهوم نیز شاخص‌های فوق برای اقتصاد ایران به نحو عینی قابل بهره‌گیری نیستند و نیازمند تعدیل هستند، زیرا تلقی داخلی از اقتصاد مقاومتی اندکی متفاوت از برداشت رایج است. به این معنا که مفهوم مقاومت اقتصادی در شاخص‌های جهانی صرفاً با ریسک‌های موقت و ناگهانی که از خارج به اقتصاد وارد می‌شود مرتبط است. فرض مندرج در آن مفهوم گذرا بودن و استثنا بودن موقعیت تکانه و به‌تبع موقعیت مقاومت است. در حالی که مفهوم‌پردازی اقتصاد مقاومتی در داخل مبتنی بر فرض استمرار و فشار خارجی و به‌تبع شرایط مقاومت است. تصریح به اینکه اقتصاد مقاومتی نه یک نسخه کوتاه‌مدت، بلکه راهبردی بلندمدت به شمار می‌رود، ناظر به همین تفاوت است.<sup>۱</sup> نوع سیاست‌های مقاومت اقتصادی نیز تا حد زیادی ناشی از نوع تکانه‌هایی است که برای یک اقتصاد متصور است و فرض شاخص‌ها رایج آن است که تنها تکانه‌های صرفاً اقتصادی غیرتعمدی می‌تواند منشأ آسیب شود. این در حالی است که شوک‌های ناشی از سیاست خصمانه اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است و به همین دلیل هم در اجزای شاخص مقاومت جایی ندارد. برای مثال اگر این دست سیاست‌های خصمانه اقتصادی محل توجه بود، غیر از شاخصی مانند نسبت‌های مالی بانک‌ها مسئله امن بودن زیرساخت‌های تبادلات بانکی نیز باید مد نظر قرار می‌گرفت. در شرایط ضعف پدافند غیرعامل در حوزه بانکی، کاملاً محتمل است که یک اختلال خصمانه در شبکه مبادلات بانکی کشور موجب به هم خوردن طیف وسیعی از مبادلات اقتصادی، ایجاد هرج‌ومرج، القای عدم اطمینان، هجوم عمومی به بانک‌ها، ورشکستگی برخی بانک‌های بزرگ و کوچک و در نهایت یک بحران اقتصادی فراگیر شود.

به بیان دیگر برخلاف تعاریفی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این

۱. بیانات رهبری در جمع کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

تعریف رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی اقتصاد ایدئال هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود (پیغامی ۱۳۹۱).

- اگر بخواهیم در داخل پارادایم مفهومی و تئوریک دو شاخص فوق باقی بمانیم، به نظر می‌رسد به لحاظ روش‌شناسی نیز این شاخص‌ها دچار کاستی‌هایی باشند. برای مثال فرض نزدیک به هم بودن وزن هر یک از زیرشاخص‌ها به لحاظ روشی کاملاً قابل‌خنده است. هرچند ساده‌ترین راه برای تهیه و تحلیل نهایی شاخص، استفاده از روش اوزان برابر است، اما لزوماً شیوه بهینه نیست. فرض کنید یک اقتصاد به لحاظ تأمین بودجه دولت تا حدی نزدیک به ۱۰۰ درصد وابسته به صادرات منابع طبیعی یا مواد خام باشد، اما دیگر ریسک‌ها و وابستگی‌ها در اقتصاد در شرایط نرمالی قرار داشته باشد. در این حالت شاخص نهایی درجه آسیب‌پذیری کشور را متوسط نشان می‌دهد حال آنکه تنها با به خطر افتادن همان یک مؤلفه درآمد دولت، می‌تواند کل تعادل‌های اقتصاد دچار اختلال اساسی شود و شیرازه مقاومت اقتصادی از هم فروپاشد. بنابراین به لحاظ نظریه مقاومت و تاب‌آوری، نمی‌توان ضرایب یکسانی برای تمام زیراجزای شاخص در نظر گرفت، بلکه می‌توان یا میان اجزای اصلی و فرعی با وزن‌های مختلف تمایز افکند یا شاخص نهایی حاصل ضرب (نه حاصل جمع) زیرشاخص‌ها باشد به نحوی که اگر یک شاخص به آستانه کاملاً غیرمقاومتی (مثلاً عدد صفر) رسید، کل شاخص مقاومت اقتصادی صفر شود.

- آخرین نکته نتایجی است که در انتهای گزارش‌های شاخص مقاومت اقتصادی مطرح شده است. برای مثال برگوگلیو در گزارش سال ۲۰۱۳ خود کشورها را در قالب ۶ رده تقسیم کرده است: ۴ رده براساس آسیب‌پذیری و مقاومت‌پذیری (شامل آسیب‌بالا و مقاومت پایین، آسیب بالا و مقاومت بالا، آسیب پایین و مقاومت بالا، آسیب پایین و مقاومت پایین) و ۲ رده در حال گذار و مرزی که یا نزدیک به حالت آسیب‌پذیری بالا هستند یا نزدیک به موقعیت مقاومت‌پذیری بالا. چنان‌که گفته شد جایگاه ایران در این میان آسیب‌پایین با مقاومت پایین است، اما به‌طور شگفت‌آوری اقتصادهایی مانند بحرین در بهترین شرایط از لحاظ هر دو وضعیت آسیب و مقاومت قرار دارند یا اقتصادهایی مانند تونس در وضعیت مرزی نزدیک به مقاومت بالا جای دارند حال آنکه هر دو کشور دارای اقتصادهای کوچک با تعاملات خارجی بالا و در حال گذار از وضعیت انقلاب‌های داخلی هستند که قطعاً نباید در موقعیت‌هایی مقاوم‌تر از اقتصاد ایران ارزیابی شوند و اساساً مقاله برگوگلیو بر اساس آسیب‌پذیرتر بودن اقتصادهای کوچک با تبادلات خارجی بالا نگاشته شده بود. البته اظهارنظر قطعی در این زمینه منوط به دسترسی به تفصیل اطلاعات اجزای مختلف شاخص این کشورهاست.



مواردی مشابه چهار نکته فوق نشان می‌دهد گرچه استفاده از شاخص‌های کلان در رصد درجه مقاومت‌پذیری اقتصاد ایران اکیداً توصیه می‌شود، اما نمی‌توان به تلاش‌های جهانی در این خصوص بسنده کرد و لازم است با توجه به ابعاد ویژه‌ای که ناشی از برداشت خاص ما از اقتصاد مقاومتی است و ضربی که بخش‌های مختلف اقتصاد ایران در آسیب‌پذیری دارند، به دنبال طراحی شاخصی بومی بود.

### جمع‌بندی - نکاتی برای اقتصاد ایران

اقتصاد مقاومتی به توانایی اقتصاد در جذب شوک‌های خارجی، یا مقابله با آن و بازیابی و بازسازی سریع آثار منفی شوک بعد وقوع آن می‌گویند. مطالعات نشان داده است که اقتصادهای کوچک بیشتر در معرض آسیب ناشی از این‌گونه شوک‌ها قرار دارند. نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ناشی از زیرساخت‌های اقتصادی و ذاتی آن است. درحالی‌که استحکام‌بخشی به اقتصاد ناشی از سیاستگذاری در اقتصاد است.

در مجموع دو سطح شاخص‌سازی در جهت اقتصاد مقاومتی قابل طرح است:

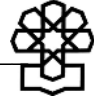
- نخست شاخص‌سازی برای احکام سیاستی و قانونی ذیل اقتصاد مقاومتی همانند معرفی شاخص‌هایی برای درجه تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی رهبر معظم انقلاب، این شاخص‌ها می‌تواند نهادهای نظارتی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی را در ایفای دقیق رسالت نظارتی خود یاری رساند.

- دوم شاخص‌سازی برای رصد مسیر حرکت شاخص‌های کلان اقتصادی که آیا آسیب‌پذیری خارجی و توان مقاومت داخلی در جهت بهبود است یا خیر؟ این شاخص‌ها ممکن است به صراحت در احکام قانونی درج نشده باشند اما تصویر کلان خوبی از موقعیت اقتصاد کشور در مسیر مقاومت و تاب‌آوری ارائه می‌دهند.

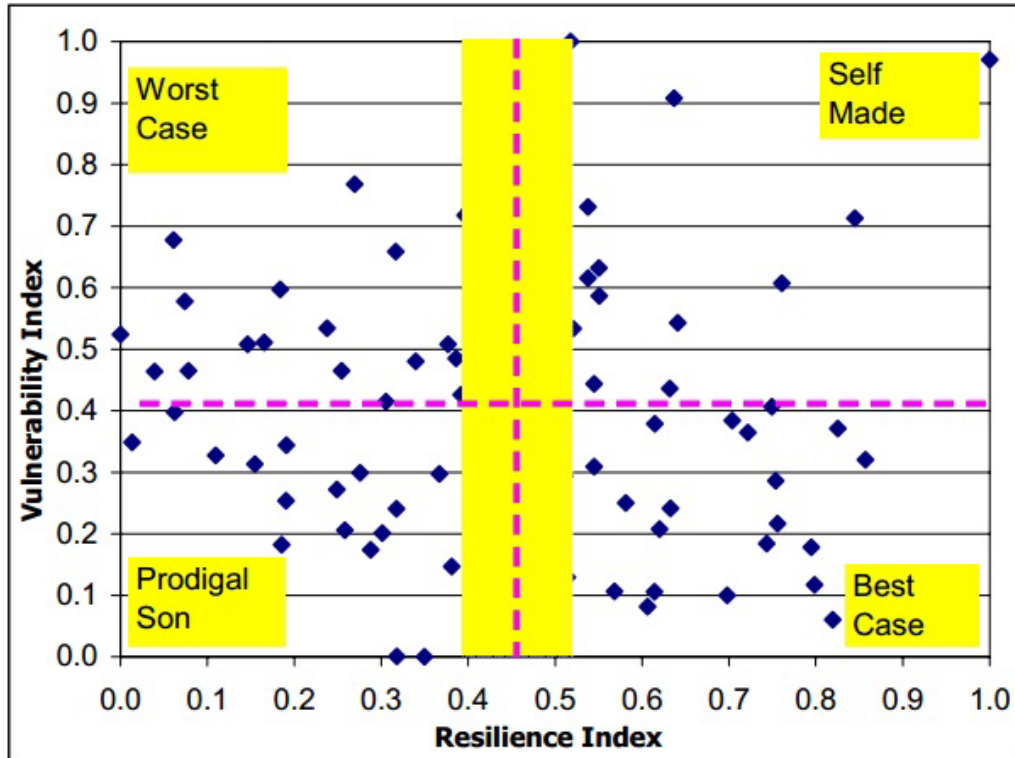
گزارش حاضر در ذیل دسته اخیر جای می‌گیرد و البته در آینده نزدیک گزارش مرکز پژوهش‌ها در خصوص دسته نخست شاخص‌ها نیز منتشر خواهد شد. برای بررسی میزان استحکام یک اقتصاد و سنجش مقاومت آن نیازمند یک چارچوب تئوریک و شاخص ارزیابی هستیم. شاخص اقتصاد مقاومتی یک شاخص ترکیبی متشکل از عوامل و نهادهای استحکام‌بخش اقتصاد هستند که تجمیع آنها نشان‌دهنده میزان استحکام اقتصاد است. در مطالعه بورمن و همکاران (۲۰۱۳) به دنبال علل موفقیت برخی کشورها در مقابله با بحران مالی، شاخص اقتصاد مقاومتی تعریف شد. این شاخص از ۱۰ زیرگروه و ۵۰ متغیر تشکیل شده است. برگوگلیو و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه خود بعد از تعریف شاخص آسیب‌پذیری اقتصاد به‌عنوان تعیین‌کننده میزان شکنندگی اقتصاد به تعریف شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد می‌پردازد. بر این اساس ارزیابی شاخص فوق نشان می‌دهد اقتصاد ایران در پایان دوره بررسی (سال ۲۰۱۳ به نسبت سال ۲۰۰۶) (سال ۱۳۹۲ به نسبت سال ۱۳۸۷) از پرتگاه‌های آسیب‌پذیری

فاصله گرفته و برخی وابستگی‌های راهبردی خود را نسبت به ابتدای دوره کاهش داده است (برخی از آنها بالضروره و ناشی از فشارهای بیرونی رخ داده) لکن به جهت توان مقاومت اقتصاد و آمادگی برای واکنش، ضعیف‌تر شده است. چنین تحلیلی، توجه کارگزاران قوا و دستگاه‌های اجرایی کشور را به تقویت بیش از پیش آمادگی برای سیاستگذاری در شرایط خاص، اصلاح حکمرانی، توجه به محیط اقتصاد کلان و توسعه اجتماعی جلب می‌کند، یعنی عواملی که بر توان داخلی اقتصاد ایران و انسجام درونی می‌افزاید.

روش برگوگلیو در تحلیل وضعیت یک کشور استفاده از چارچوب آسیب‌پذیری - مقاومت‌پذیری است (چقدر در معرض آسیب هستیم - در صورت ورود شوک چقدر توان مقابله داریم) که گرچه نسبت به وضعیت فقدان شاخص مقاومت اقتصادی مطلوب‌تر است، اما از جهات متعددی نیز دچار کاستی‌های جدی است که در متن گزارش به تفصیل بدان اشاره شد. همچنین مبنای نظری و برداشت ما از اقتصاد مقاومتی تا حدودی متفاوت از آن چیزی است که در ذیل شاخص‌های جهانی مستتر است. به همین دلیل حرکت به سمت طراحی نظام سازگاری از شاخص‌های بومی اقتصاد مقاومتی می‌تواند معیاری برای رصد حرکت کلی اقتصاد به سمت مقاوم‌تر شدن یا آسیب‌پذیرتر شدن فراهم آورد.



جدول ۱. پراکندگی کشورها با توجه به سناریوهای چهارگانه (برگولیو و همکاران، ۲۰۰۶)



جدول ۲. شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد همراه زیرشاخه‌های آن (برگ‌گلیو و همکاران، ۲۰۰۶)

**APPENDIX 1: DATA AND COUNTRY RANKING RESULTS**

Country	Macroeconomic stability	Microeconomic market efficiency	Social development	Good governance	Resilience Index	Country Ranking
Albania	0.281	0.198	0.782	0.331	0.398	73
Argentina	0.553	0.511	0.877	0.242	0.546	49
Australia	0.494	0.500	0.989	0.990	0.743	12
Austria	0.706	0.399	0.959	0.940	0.751	9
Bangladesh	0.650	0.457	0.278	0.117	0.376	78
Barbados	0.647	0.000	0.921	0.539	0.527	53
Belgium	0.676	0.422	0.984	0.791	0.718	14
Belize	0.220	0.253	0.771	0.545	0.447	68
Bolivia	0.490	0.573	0.646	0.095	0.451	67
Brazil	0.414	0.375	0.741	0.380	0.478	61
Cameroon	0.466	0.239	0.286	0.280	0.318	83
Canada	0.648	0.560	0.978	0.924	0.778	6
Chile	0.651	0.564	0.869	0.567	0.663	21
China	0.668	0.209	0.725	0.388	0.497	59
Colombia	0.442	0.232	0.771	0.147	0.398	74
Costa Rica	0.625	0.616	0.864	0.589	0.674	19
Cote d'Ivoire	0.446	0.402	0.071	0.198	0.279	87
Croatia	0.544	0.121	0.837	0.462	0.491	60
Cyprus	0.387	0.302	0.894	0.645	0.557	47
Czech Republic	0.589	0.418	0.866	0.603	0.619	29
Denmark	0.728	0.314	0.948	0.998	0.747	11
Dominican Republic	0.671	0.580	0.678	0.253	0.546	50
Egypt, Arab Rep.	0.605	0.370	0.540	0.392	0.477	63
El Salvador	0.670	0.719	0.670	0.288	0.587	38
Estonia	0.650	0.612	0.861	0.583	0.677	17
Finland	0.653	0.372	0.973	1.000	0.750	10
France	0.515	0.183	0.965	0.736	0.600	34
Germany	0.570	0.410	0.951	0.929	0.715	15
Greece	0.402	0.489	0.935	0.482	0.577	42
Honduras	0.449	0.556	0.613	0.092	0.428	72
Hong Kong, China	0.665	1.000	0.875	0.687	0.807	3
Hungary	0.459	0.455	0.842	0.636	0.598	35
Iceland	0.734	0.370	0.970	0.942	0.754	8
India	0.522	0.404	0.439	0.504	0.467	65
Indonesia	0.444	0.581	0.659	0.150	0.459	66
Iran, Islamic Rep.	0.612	0.285	0.657	0.504	0.514	57
Ireland	0.759	0.620	0.932	0.866	0.794	4
Israel	0.615	0.169	0.937	0.756	0.619	28



جدول ۳. جایگاه ایران در سناریو ۴ گانه (برگولیو و همکاران، ۲۰۰۶)

## APPENDIX 2: THE FOUR SCENARIOS

Country	Resilience Index	Vulnerability Index	Case	Borderline
Belize	0.269	0.768	Worst case	
Nigeria	0.061	0.677	Worst case	
Egypt, Arab Rep.	0.317	0.658	Worst case	
Uganda	0.184	0.597	Worst case	
Nicaragua	0.074	0.578	Worst case	
Honduras	0.238	0.534	Worst case	
Cote d'Ivoire	0.000	0.524	Worst case	
Kenya	0.165	0.511	Worst case	
Iran, Islamic Rep.	0.377	0.508	Worst case	
Papua New Guinea	0.146	0.508	Worst case	
Croatia	0.340	0.480	Worst case	
Venezuela, RB	0.254	0.465	Worst case	
Madagascar	0.078	0.465	Worst case	
Senegal	0.039	0.464	Worst case	
Jamaica	0.446	0.922	Worst case	Borderline
Cyprus	0.445	0.840	Worst case	Borderline
Dominican Republic	0.427	0.768	Worst case	Borderline
Jordan	0.401	0.725	Worst case	Borderline
Barbados	0.397	0.717	Worst case	Borderline
Philippines	0.386	0.485	Worst case	Borderline

جدول ۴. دسته‌بندی کشورها حسب مقدار مقاومت‌پذیری و آسیب‌پذیری آنها (برگولیو و همکاران، ۲۰۱۳)

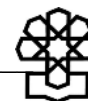
Table 1: Expected Type of Countries in the Four Categories

Vulnerability Score	Resilience Score	Expected Type of countries in this category
Low	High	Large developed countries with good economic governance
Low	Low	Large developing countries with weak economic governance
High	High	Small states with good economic governance
High	Low	Small states with weak economic governance

جدول ۵. دسته‌بندی کشورها با توجه شاخص‌های مطروحه (برگولیو و همکاران، ۲۰۱۳)

Table 2: Countries classified according to the V&R Nexus

High Vulnerability and Low Resilience		Borderline Cases with relatively High Vulnerability		High Vulnerability and High Resilience	
Afghanistan	Guinea-Bissau	Azerbaijan	Maldives	Antigua/Barbuda	Luxembourg
Algeria	Haiti	Bangladesh	Marshall Is.	Bahamas	Malta
Angola	Iraq	Burkina Faso	Micronesia	Barbados	Mauritius
Belarus	Lebanon	Cambodia	Mongolia	Belize	Oman
Burundi	Liberia	Cape Verde	Montenegro	Botswana	Qatar
Central African Rep.	Libya	El Salvador	Papua New Guinea	Brunei	Saint Lucia
Chad	Mauritania	Gambia	Seychelles	Chile	Samoa
Comoros	Nicaragua	Grenada	Solomon Is.	Cyprus	Saudi Arabia
Congo, Dem. Rep.	Nigeria	Guyana	St. Kitts/Nevis	Dominica	Singapore
Congo, Republic	S.Tomé/Principe	Honduras	St. Vincent/Grenadines	Fiji	Slovak Republic
Côte d'Ivoire	Sudan	Jamaica	Suriname	Gabon	Tonga
Djibouti	Tajikistan	Kiribati	Zambia	Hong Kong	Trinidad/Tobago
Ecuador	Turkmenistan	Lesotho		Ireland	United Arab Emirates
Equatorial Guinea	Venezuela			Korea	Vanuatu
Eritrea	Yemen			Kuwait	
Guinea					
Low Vulnerability and Low Resilience		Borderline Cases with relatively High Resilience		Low Vulnerability and High Resilience	
Albania	Malawi	Armenia	Panama	Australia	Lithuania
Argentina	Mali	Bulgaria	Peru	Austria	Malaysia
Benin	Moldova	Colombia	Philippines	Bahrain	Netherlands
Bhutan	Morocco	Costa Rica	Portugal	Belgium	New Zealand
Bolivia	Mozambique	Croatia	Romania	Canada	Norway
Bosnia/Herzegovina	Myanmar	Georgia	Rwanda	Czech Republic	Poland
Brazil	Nepal	Hungary	South Africa	Denmark	Slovenia
Cameroon	Niger	Israel	Spain	Estonia	Sweden
China	Pakistan	Italy	Sri Lanka	Finland	Switzerland
Dominican Rep.	Paraguay	Jordan	Swaziland	France	Taiwan
Egypt	Russia	Latvia	Thailand	Germany	United Kingdom
Ethiopia	Senegal	Macedonia	Tunisia	Iceland	United States
Ghana	Serbia	Mexico	Uruguay	Japan	
Greece	Sierra Leone	Namibia			
Guatemala	Syria				
India	Tanzania				
Indonesia	Togo				
Iran,	Turkey				
Kazakhstan	Uganda				
Kenya	Ukraine				
Kyrgyz Republic	Uzbekistan				
Lao P.D.R.	Vietnam				
Madagascar	Zimbabwe				



جدول ۶. دسته‌بندی کشورها و شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی برای ایران (برگولیو و همکاران، ۲۰۱۳)

Country	Category	EVI	ERI
Costa Rica	Low vulnerability - Borderline resilience	0.214	0.622
Côte d'Ivoire	High vulnerability - Low resilience	0.402	0.372
Croatia	Low vulnerability - Borderline resilience	0.208	0.599
Cyprus	High vulnerability - High resilience	0.337	0.634
Czech Republic	Low vulnerability - High resilience	0.262	0.738
Denmark	Low vulnerability - High resilience	0.097	0.882
Djibouti	High vulnerability - Low resilience	0.461	0.220
Dominica	High vulnerability - High resilience	0.543	0.648
Dominican Republic	Low vulnerability - Low resilience	0.266	0.477
Ecuador	High vulnerability - Low resilience	0.395	0.421
Egypt	Low vulnerability - Low resilience	0.167	0.362
El Salvador	High vulnerability - Borderline resilience	0.345	0.534
Equatorial Guinea	High vulnerability - Low resilience	0.644	0.240
Eritrea	High vulnerability - Low resilience	0.464	0.000
Estonia	Low vulnerability - High resilience	0.167	0.738
Ethiopia	Low vulnerability - Low resilience	0.242	0.374
Fiji	High vulnerability - High resilience	0.412	0.632
Finland	Low vulnerability - High resilience	0.237	0.860
France	Low vulnerability - High resilience	0.104	0.719
Gabon	High vulnerability - High resilience	0.429	0.627
Gambia	High vulnerability - Borderline resilience	0.343	0.431
Georgia	Low vulnerability - Borderline resilience	0.190	0.610
Germany	Low vulnerability - High resilience	0.178	0.752
Ghana	Low vulnerability - Low resilience	0.242	0.454
Greece	Low vulnerability - Low resilience	0.214	0.429
Grenada	High vulnerability - Borderline resilience	0.564	0.532
Guatemala	Low vulnerability - Low resilience	0.205	0.452
Guinea	High vulnerability - Low resilience	0.431	0.071
Guinea-Bissau	High vulnerability - Low resilience	0.513	0.245
Guyana	High vulnerability - Borderline resilience	0.476	0.479
Haiti	High vulnerability - Low resilience	0.735	0.381
Honduras	High vulnerability - Borderline resilience	0.374	0.446
Hong Kong SAR	High vulnerability - High resilience	0.545	1.000
Hungary	Low vulnerability - Borderline resilience	0.263	0.628
Iceland	Low vulnerability - High resilience	0.282	0.736
India	Low vulnerability - Low resilience	0.155	0.484
Indonesia	Low vulnerability - Low resilience	0.111	0.438
<b>Iran, Islamic Republic</b>	<b>Low vulnerability - Low resilience</b>	<b>0.316</b>	<b>0.331</b>
Iraq	High vulnerability - Low resilience	0.510	0.156
Ireland	High vulnerability - High resilience	0.394	0.766
Israel	Low vulnerability - Borderline resilience	0.189	0.625
Italy	Low vulnerability - Borderline resilience	0.169	0.571
Jamaica	High vulnerability - Borderline resilience	0.453	0.456

Countries	OPN	DSI	EXC	DST	EVI	EVI RS
Ecuador	0.127	0.341	0.706	0.053	0.307	0.395
Egypt	0.072	0.367	0.267	0.007	0.178	0.167
El Salvador	0.121	0.383	0.368	0.244	0.279	0.345
Equatorial Guinea	0.365	0.447	0.979	0.000	0.448	0.644
Eritrea	0.022	0.425	0.935	0.003	0.346	0.464
Estonia	0.374	0.310	0.025	0.002	0.178	0.167
Ethiopia	0.078	0.346	0.457	0.001	0.220	0.242
Fiji	0.231	0.583	0.376	0.077	0.317	0.412
Finland	0.149	0.285	0.436	0.000	0.217	0.237
France	0.090	0.258	0.214	0.006	0.142	0.104
Gabon	0.129	0.215	0.961	0.000	0.326	0.429
Gambia	0.103	0.498	0.508	0.000	0.277	0.343
Georgia	0.168	0.350	0.203	0.043	0.191	0.190
Germany	0.175	0.212	0.346	0.004	0.184	0.178
Ghana	0.145	0.301	0.434	0.001	0.220	0.242
Greece	0.065	0.401	0.327	0.025	0.205	0.214
Grenada	0.124	0.438	0.681	0.367	0.402	0.564
Guatemala	0.105	0.378	0.286	0.029	0.199	0.205
Guinea	0.104	0.422	0.783	0.000	0.327	0.431
Guinea-Bissau	0.092	0.560	0.843	0.000	0.374	0.513
Guyana	0.253	0.488	0.551	0.120	0.353	0.476
Haiti	0.134	0.603	0.856	0.403	0.499	0.735
Honduras	0.234	0.342	0.428	0.177	0.295	0.374
Hong Kong SAR	1.000	0.068	0.499	0.000	0.392	0.545
Hungary	0.374	0.164	0.380	0.010	0.232	0.263
Iceland	0.213	0.268	0.490	0.001	0.243	0.282
India	0.066	0.419	0.173	0.028	0.171	0.155
Indonesia	0.064	0.340	0.158	0.024	0.147	0.111
Iran, Islamic Republic	0.068	0.195	0.732	0.054	0.262	0.316
Iraq	0.191	0.318	0.978	0.000	0.372	0.510
Ireland	0.411	0.264	0.549	0.002	0.306	0.394
Israel	0.129	0.287	0.343	0.003	0.190	0.189
Italy	0.083	0.318	0.297	0.019	0.179	0.169
Jamaica	0.156	0.572	0.505	0.127	0.340	0.453



جدول ۷. شاخص مقاومت پذیری اقتصاد (برگولیو و همکاران، ۲۰۱۳)

Country	STB	MFX	FNR	GVN	SOC	ENV	ERI	ERI RS
Egypt	0.434	0.333	0.617	0.284	0.585	0.588	0.407	0.362
El Salvador	0.617	0.352	0.953	0.446	0.616	0.529	0.536	0.534
Equatorial Guinea	0.469	0.146	0.722	0.124	0.224	0.436	0.317	0.240
Eritrea	0.163	0.039	0.412	0.077	0.158	0.266	0.139	0.000
Estonia	0.675	0.603	0.705	0.766	0.869	0.605	0.686	0.738
Ethiopia	0.370	0.614	0.640	0.211	0.168	0.540	0.416	0.374
Fiji	0.548	0.957	0.685	0.297	0.723	0.412	0.608	0.632
Finland	0.695	0.612	0.934	1.000	0.900	0.765	0.777	0.860
France	0.594	0.530	0.750	0.817	0.911	0.853	0.672	0.719
Gabon	0.673	0.704	0.783	0.331	0.531	0.640	0.604	0.627
Gambia	0.375	0.689	0.814	0.329	0.203	0.205	0.459	0.431
Georgia	0.531	0.723	0.572	0.485	0.799	0.620	0.591	0.610
Germany	0.655	0.533	0.626	0.879	0.954	0.813	0.697	0.752
Ghana	0.359	0.493	0.840	0.502	0.494	0.441	0.476	0.454
Greece	0.402	0.295	0.446	0.566	0.881	0.681	0.457	0.429
Grenada	0.383	0.563	0.802	0.585	0.773	0.501	0.534	0.532
Guatemala	0.635	0.307	0.774	0.308	0.425	0.525	0.474	0.452
Guinea	0.191	0.055	0.805	0.133	0.082	0.280	0.192	0.071
Guinea-Bissau	0.369	0.302	0.735	0.164	0.088	0.388	0.321	0.245
Guyana	0.422	0.653	0.661	0.367	0.584	0.427	0.495	0.479
Haiti	0.493	0.563	0.582	0.149	0.312	0.319	0.422	0.381
Honduras	0.555	0.390	0.701	0.305	0.573	0.537	0.470	0.446
Hong Kong SAR	0.789	0.998	0.889	0.874	0.892	0.897	0.881	1.000
Hungary	0.538	0.573	0.632	0.669	0.843	0.625	0.605	0.628
Iceland	0.480	0.808	0.354	0.885	0.947	0.801	0.685	0.736
India	0.502	0.569	0.832	0.384	0.393	0.225	0.498	0.484
Indonesia	0.555	0.326	0.725	0.351	0.537	0.532	0.464	0.438
Iran, Islamic Republic	0.519	0.281	0.607	0.152	0.685	0.349	0.385	0.331
Iraq	0.318	0.161	0.745	0.090	0.463	0.016	0.255	0.156
Ireland	0.654	0.770	0.137	0.879	0.971	0.655	0.707	0.766
Israel	0.593	0.453	0.771	0.646	0.944	0.577	0.603	0.625
Italy	0.491	0.485	0.528	0.616	0.900	0.851	0.563	0.571

## منابع و مآخذ

۱. خلیلی عراقی، سیدمنصور و رمضان‌پور، اسماعیل. اهمیت محیط باثبات اقتصاد کلان. مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۳۰، ۱۳۸۰.
۲. دادگر، یداله و نظری، روح اله. اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی. فصلنامه جستارهای اقتصادی، ش ۵، ۱۳۸۷.
۳. قلی‌پور، رحمت‌اله. تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت. فصلنامه دانش مدیریت، ش ۱۷، ۱۳۸۳.
۴. عیوضلو، حسین. تحلیلی بر مبانی نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور و الزامات پیشرو. فصلنامه راهبرد یاس، ش ۱۴، ۱۳۸۷.
۵. غیاثوند، ابوالفضل. مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۵۸۲، ۱۳۹۳.
۶. پیغامی، عادل. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی دفاعی یا ترمیمی؟ ۱۳۹۱. پایگاه اطلاع‌رسانی khamenei.ir
7. Briguglio, L., G. Cordina, et al. A Vulnerability and Resilience Framework for Small States. University of Malta, 2013.
8. Boorman, Jack, et al. The Centennial Resilience Index: Measuring Countries' Resilience to Shock. Global Journal of Emerging Market Economies 5.2, 2013
9. Briguglio, L., G. Cordina, et al. "Conceptualizing and measuring economic resilience." Building the economic resilience of small states. www.um.edu.mt, 2006.
10. Bandura, R. A survey of composite indices measuring country performance. New York: UNDP working paper, 2006.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۱۳۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۵. ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی

نام دفتر: مطالعات اقتصادی

تهیه و تدوین‌کنندگان: یاسین فروغی‌زاده، سید احسان خاندوزی

ناظر علمی: احمد شعبانی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی: \_\_\_\_\_



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۱/۸